١٤٤٩

ـ مقدمه ـ

این یك قدر و قیمت وحق شناسائی است که هرمؤلف بالخاصه مؤلفین نظامی دائماً بیطرفی را بر هر چیز مقدم بدارد، یعنی آنچه را که مینویسد مبنای آن مطابق عمل بوده ، تاریخ حربی عملیات جنگی طرفین را بدون التزام طرفیت عیناً در کتاب خـود ذکر و بیان نماید. ولی مع التأسف [ایران که سابقاً صحنهٔ مهم جنگهای ملل مختلفه بوده است] راجع به عملیات جنگی محاربین گذشته تاریخ نظامی مخصوصی در دست نمیباشد که ، از روی آنها وقایع جنگی منظمی بوجود آورد. لیکن تواریخ عمومی مختلفه نیز موجود است که میتوان از نتیجهٔ تدقیق و مطالعهٔ آنها ، تاریخ عملیات جنگی ملل محارب را موافق قانون واصول نظامی و تجربه نوشت. اینك بنده درنتیجه مطالعات کتب مختلفه ذیل و با مراجعه به نقشه جات محل و وقوعات جنگی [تاریخ هندوستان ـ روضة الصفا تاریخ افغانستان ـ تاریخ دکن ـ تاریخ فضلی بیك ـ کتاب ژنرال کشمش اوف ـ وقعات بابری ـ سیر جهانگیری ـ پادشاه نامه ـ تاریخ عالم گیری و غیره ....] این کتاب نظامی را تألیف نموده و تقدیم برادران عزیز هم مسلك خود مینمایم. واز بیان این نکته نیز ناگزیرم که؛ چون ارمغان بنده اولین تاریخ نظامی است که با اسلوب واصطلاحات جنگی و نظامی ازعملیات جنگی پهلوانان تاریخی ایران نگـاشته میشود، ممکن است نواقص زیادی داشته باشد. لهذا ازقارئین محترم استدعای آن را دارم که نواقص این کتاب را با مرور زمان اتمام و اکمال فرمایند.

جمیل ـ قوزانلو

معلم سابق مدارس کل نظام

فهرست

صفحه

تاریخ نظامی

جنگ ایران ـ هند

« از جنگهای نادر شاه »

در سال ۱۱۵۱ هجری

تألیف

جمیل : قوزانلو

طبع ثانی

طهران

۱۳۰۹

جنگ ایران ـ هند

در سال ۱۱۵۱ هجری

فصل اول

کلیات

علت جنگ نادرشاه افشار پس از اینکه از تنظیم امور سرحدات شمال و مغرب ایران تا اندازهٔ فراغت حاصل نمود، توجه خود را بایالات شرقی مملکت یعنی بلوچستان ، مرو و افغانستان معطوف داشته ، برای رفع اغتشاش آن نواحی که اکثراً ناشی از خرابی اوضاع حکومت آنوقت هندوستان بود ، بادولت مرکزی هندوارد مذاکره شده وضمناً در صدد برآمد که از گذارشات داخلی هندوستان مرکزی بطور مخفیانه اطلاعاتی تحصیل نماید .

---

(۱) در طی مقالاتی که تحت عنوان « جنگهای نادر شاه » انتشار خواهد یافت ، درنظر گرفته‌ام که نبرد های تاریخی این نابغه روزگار را حتی‌المقدور و در حدود مدارك موجوده و تفحصات عمیقی که در این باب شده است از روی اصول منظمی برشته تحریر در آورده وبعرض افکار قارئین محترم مجله قشون بگذارم. بناءً علیهذا از مهم ترین جنك های نادری که عبارت از جنك با هندوستان است شروع مینمائیم .

مدارك مطالعات ما در این قسمت بخصوص از کتب خارجی :

۱ـ« تاریخ هندوستان در قرون اخری» است که در قرن هیجدهم بوسیله مورخین هندی تهیه و در سال ۱۳۲۴ از هندی بزبان فارسی ترجمه و طبع شده است. قسمت عمده مطالعات ما از روی این تاریخ راجع باوضاع سلطنت مغول در هندوستان قبل از ورود قشون ایران وعلل و اسبابی است که باعث قشون کشی نادرشاه شده‌است .

۲ — تاریخ جنگهای نادر شاه تألیف ژنرال « کیشمیش اوف » روسی

۳ — ازکتب داخلی : روضة‌الصفاء وقعات بابری ، مسیر جهانگیری ، پادشاه نامه و تاریخ عالم گیری است .

از طرف دیگر بین‌دولتین (ایران وهندوستان) ازدیر زمانی برسر افغانستان وحوضهٔ سند اختلافات‌و کشمکشهائی موجود بود که حل و تصفیهٔ آنها غیر ممکن بنظر میرسید .

بعلاوه چون نیت‌اصلی نادرشاه براین بود که سرحدات‌شرقی ایران رابرحدود طبیعی قرارده‌د باینواسطه جنك بادولت‌بزرك هند که یکی‌ازدول‌معظمه آسیا بشمار بود ، امری‌ناگزیربنظر میرسید .

در همین اوان یعنی مقارن سال ۱۱۵۰ هجری اختلال اوضاع داخلی هندوستان بمنتهـا درجه رسیده بود و نادرشاه برای دفعه ثانی از خرابی کار قشون و حکومت هند توسط وزراء آن مملکت اطلاعات جامعی بدست آورد واین وضعیت‌را مغتنم شمرده، برای حل قطعی‌مسئله‌افغانستان چندین مراسله رسمی بعنوان(محمدشاه)ارسال داشت(۲) ولی‌مانند دوره‌های سابق‌باین‌مراسلات‌هم جواب قاطعي داده نشد . تا اینکه درسال ۱۱۵۱ هجری مناسبات سیاسی تا اندازهٔ کسب‌وخامت نمود و بالاخره نادرشاه بوسیله «مصحوب»نماینده‌فوق العاده وایلچی مخصوص ایران‌مکتوبي بپادشاه هندنوشته وبرای تصفیه مطالب‌مختلف فیه نظریه قطعی اورا‌خواستار شد. ولی متأسفانه باتمام‌سعی و کوشش ایلچي مخصوص ایران مأموریت او فیصله نیافت و در اثر انقلابات داخلی هندوستان ، در دهلی پایتخت آن مملکت به قتل رسید .

از استماع خبر این قضیه ناگـوار ، نادرشاه فوق العاده برآشفت و بشرح یادداشت رسمی‌ذیل بپادشاه هندوستان پروتست نمود :

« خیلی عجب است که شما درامور مملـکتي اینقدر بی اعتنا وبی‌قید باشید . باوجود اینکه »
« مکرر بشما نامه نوشتم و سفیر فرستادم ، اظهار دوستي کردم، وزراء شما لازم ندیدندبرای من »
« جواب‌کافی‌بفرستند وبواسطه عدم انتظامات، یکی ازسفرای من برخلاف قوانین دنیا وبخصوص »
« قوانین مقدسه اسلام در پایتخت شما کشته شد . لذا برای جبران این لطمه بزرگي که بحیثیات »
« ماواردآمده‌است ورفع مسائل مختلف‌فیه ، باید قسمت‌شرقي افغانستان را بطور گرو و ده‌کرور »
« تومان بعنوان خسارت جمع آوری وتمرکز قشون در ولایات شرقی ایران و خون بهـای سفیر »
فوق العاده مابدون هیچ گفتگو بدولت ایران تسلیم و تحویل دارید .

امضاء نادرشاه افشار ــ فی پنجم جمادي‌الثاني ۱۱۵۱ .

---

(۲) ـ مقرحکومت هندوستان شهر [لاهور] بود . ج . ق

دراثر این وقایع سیاسی (روز ۲۹ جمادي‌الثانی ۱۱۵۱ ه) بالاخره مناسبات دولتین قطع گردیده و از طرف ایران بدولت هند رسماً اعلان جنگ داده شد . (۳)

استعداد جنگی طرفین

قوای دولت ایران

پس از رفع اغتشاشات ناحیه (قندهــار) دولت ایران دوباره درکمال فوریت به‌تمرکز قوا پرداخته و در قلیل مدت در حدود شهر مذکور قواي معتنابهٔ (٤) جمع آوری و تهیه نمود که مرکب از صنوف مختلفه ذیل بود :

پیاده نظام	۶۰,۰۰۰ تفنك دار
سوارنظام	۳۱/۰۰۰ نیزه دار و شمشیر دار
گـارد مخصوص شاهی	۵/۰۰۰ نفر پیاده و سوار
توپخانه و تقلیه	۷/۰۰۰ نفر

پیاده نظام ـ شصت هزار نفر پیاده نظام مطابق تشکیلات نظامی آنوقت به ۶۰ فوج تقسیم و هریك ازافواج دارای یك فرمانده و ده نفر صاحبمنصب بود وباسم(شهرخود) خوانده‌میشد . نظر باینکه برطبق مرسوم آن عهد، فرمانده هرصنفی ازسردکرگـان همان صنف‌انتخاب میشد لذا دراینموقع فرماندهی کلیه افواج پیاده ایران به « طهماسب خان وکیل » (۵) محول شده بود.

چون نادرشاه براین عقیده بود که صنف پیاده ، صنف اصلی و ممتاز قشون است و توجه تامی به تنظیم و تعلیم پیاده داشت ، ازاین جهة کلیه افواج پیاده ایران ازحیث تعلیم و تربیت وانضباط در قطعه آسیا مقام اول را حائز بودند . افراد پیاده مجهز به تفنك سرپر و برای محاربه از مسافت نزدیك ، اسلحه سرد متنوع داشتند .

---

(۳) — نادر شاه در آن موقع در پایتخت نبود ، قبلا امورات داخلی وخصوصاً اوضاع قسمت غربی مملکت را منظم کرد و « رضاقلی‌میرزا » را وکالتاً بجای خود گذارده برای اصلاح و تکمیل امورات مشرق ایران بطرف شهر « قندهار » قشون کشید و محل تمرکز قوا را آنجا قرار داد و در آن صفحات مدت چهارده ماه اقامت نمود . در ولایت قندهار و [illegible] کننده امنیت و آسایش را کاملا برقرار نمود و روزی که آخرین یاد داشت جنگی را بدولت هندوستان داد ، قرارگـاه عمومی در شهر « قندهار » بود .

(٤) بنا بر توضیحات تاریخ هندوستان منطبعه در شهر کلکته در سال ۱۲۰۰

(۵) رتبه « وکیلی » در تشکیلات آنوقت یکی از بالاترین مقامات بود.

سوار نظام – واحد سوار نظام ایران در آن دوره بقرار ذیل تقسیم بندی شده بود :

۴۰۰۰ سوار تحت فرماندهي حاجی بیك سرتیپ قرار داشت که اردوگاه آنها در یك فرسنگی طرف مشرق قندهار بود .

۱۰۰۰ سوار از طایفه افشار بفرماندهی جوان قلیخان سرهنك .

۶۰۰۰ سوار ابوابجمعی سردار افشار (هزار نفر اُزبك ، هزار نفر گرجی ، دو هزار نفر ترکمن و دوهزار نفر قزلباش) .

۵۰۰۰ سوار از نواحی غربي افغانستان تحت امر صفی خان سرتیپ

۶۰۰۰ سوار ذخیره بفرماندهي سرهنك حسینعلی خان

۲۰۰۰ سوار بفرماندهی ایل بیگی افشار تشکیل یك قسمت مستقلی را میداد .

توپخانه و نقلیه – عده های توپچي و دستجات نقلیه قشون ایران بالغ بر ۷۰۰۰ نفر و تحت ریاست یك فرمانده علیحده قرار داشتند . نوع توپها ، از توپهای سنگین و متوسط سرپر و جنس آنها از برنج و مس و رویهمرفته بالغ بر يك‌صد عراده بود . ولی پس از فتح قلعه کابل و سایر نقاط افغانستان شرقي بیك صدوچهل عراده رسید . (۶)

گارد مخصوص شاهی – پنجهزار نفر گارد شاهی مستقیماً تحت فرماندهی قاسم خان اعتماد الدوله قرار داشت و مرکب از ۱۰۰۰ نفر شمخالچی – ۱۰۰۰ نفر چاوشي – ۱۰۰۰ نفر نقیب – ۱۰۰۰ نفر قراول خاصه و ۱۰۰۰ نفر جلودار بود که در پیشاپیش قوای عمده حرکت میکردند و قوای گارد مخصوص شاهی در غالب جنگهای تحت امر مستقیم شخص نادرشاه میجنگیدند . هنگام یورش وحمله با کمال رشادت و تهور با فریاد « فتح با شاهنشاه است ! » خود را بروی دشمن می‌افکندند .

قواي دولت هند –

بطور کلي میتوان گفت دولت هندوستان مانند ایران دارای قشون منظم و دائمی نبود . قوای حاضر خدمت آن بدو قسمت تقسیم می‌شد :

قشون سلطنتی و قشون سرحدی . قشون سلطنتي عبارت از ۲۰ « کرودیه » (۷) پیاده

---

(۶) – اقتباس از پادشاهنامه .

(۷) – « کرودیه » بمنزله افواجی است که هریك دارای چهارصد نفر عده باشند . ح . ق

ویك دسته سوار غیرمنظم بود.

توپخانه سلطنتی در تمام هندوستان و در قلاع نظامی به ۳۵۰ عراده بالغ می‌شد. باضافه قوای سرحدی و عده های ساخلو قلاع نظامی بود که در سه نقطه تمرکز داشتند (کابل – پیشاور – لاهور).

استعداد کل قوای هند پراکنده و نا معلوم بود، بطوری که جمع آوری و تمرکز آنها تقریباً تا پایان جنك بطول انجامید و بموجب تخمین غیر رسمی بالغ بر ۱۵۰٫۰۰۰ نفر میشد.

بهترین قسمت قوای هند را قسمت سرحدی تشکیل میداد، زیرا ازمدتی قبل پیشرفت و فتوحات پیاپی دولت ایران در محاربات قفقازیه، ماوراء خزر و بین النهرین، دولت هندوستان را باین فکرانداخته بود که برای جلوگیری ارتجاوزات احتمالی قشون های همسایه بالاخص قشون ایران، درسرحدات شمال غربی خود، قوای معینی را تمرکز داده وقلاع آن نواحی رامستحکم نماید از این رو قبل از شروع عملیات سه عده قوای سرحدی و ساخلو قلاع کابل، لاهور و پیشاور حتی المقدور افزوده شد ولی با تمام این بیش بینیها دولت هند نتوانست در اوائل جنك در تمام نقاط سوق الجیشی عده منظمی را تمرکز دهد. (۸)

نقشه جنگی طرفین

ایران – نیت نادرشاه که بنابر تصمیمات سیاسی و عملیات تمرکز قوا بطور قطع اتخاذ حالت تعرضی بود ولی نکته مهمی که در انجام این مقصود فکر او رامتوجه ساخته بود، موضوع انتخاب طرق سوق الجیشی بود. در اینباب در نتیجه شور با سرکردگان و فرماندهان صنوف مختلفه، راه شمال شرقی ازهرحیث مناسب تر ازراه جنوب شرقی (بلوچستان شرقی) بنظر رسید: مخصوصاً وجود هدف‌های مهم درسراین راه که عبارت از قلاع نظامی مذکوره در فوق بود، توجه‌دقت عموم سران سپاه‌را براه شمال شرقی جلب و بالاتفاق همین‌را مصلحت‌دیدند.

موضوع دیگری که در اجرای نقشه جنگی مداخله عمده داشت، وسائل نقلیه قشون بود: علیهذا ازبدوتمرکز قوا توجه نادرشاه باین مسئله معطوف گردید، ولی چون تهیهٔ دواب بارکش ازیك طرف موکول باقتضای فصل و مشغله رعایا بود وازطرف دیگر طاقت دواب برای حمل ونقل بارهای سنگین و سفر طولانی، البته پس از چرای بهار و تابستان بیشتر می‌شد. از این رو نادرشاه تصمیم

(۸) درسال ۱۱۵۰هجری نواحی شرقی افغانستان بطور نیمه مستقل در تحت قیمومیت دولت هندوستان بود.

گرفت که قواي خود را در اوائل پائیز بطرف مقصد حرکت دهد درضمن برای جمع آوری دواب مقرر داشت (۹) تمام ممالك مسخره در مشرق وهمچنین ولایات شرقي ایران ، یك عده معین دواب تهیه و بمحل تمرکز قوا حرکت دهند. باین ترتیب در موعد معین تمام قشون دارای وسائل نقلیه کافي شد . (۱۰)

هندوستان — اما دولت هندوستان بنابر وضعیت و اوضاع قشون خود و همچنین از لحاظ اهمیت نظامی قلاع افغانستان ، مصمم شد تازمانی که بتواند تمام قوای خودرا در یك نقطه سوق الجیشي تمرکز دهد. عجالةً بوسیله قلاع نظامی مستحکم وتنگه های مهم «هندوکش و خیبر و کوه سلیمان» از پیشروی دشمن جلوگیری نموده و بعد بنابر وضعیات آینده رفتار نماید .

فصل دوم

محاربات سرحدي

۱ ــ عملیات تعرضی درافغانستان

بنا بر تصمیم اولیه راجع بانتخاب راه شمال شرقي

ستون راست که در بلوچستان قرار داشت، بطرف این راه احضار گردیده وسمت حرکت قوا قبلاً بطرف شمال شرقی : هدف شهر کابل ــ بعد از تصرف آنجا از راه تنکه « خیبر » بجانب مشرق و پس از وصول به « پیشاور » بطرف جنوب معین گردید .

در پائیز سال ۱۱۵۱ هجري روز چهارم سنبله ، قوای ایران درسه ستون ازجاده [غزنین ــ کابل] شروع به پیشروی نمود .

چون جاده هاي فیمابین غزنین وقندهار براي حرکت ستونها چندان مساعد نبود لهذا بارندگیهای وافر فصل پائیز ممکن بود راه را مسدود و قشون را در این نواحی کم حاصل از حیث آذوقه دچار مضیقه نماید ، علیهذا باهریك ازستونها ، قطارهاي بزرك حامل آذوقه وعلیق حرکت داده شد که وسائل

---

(۹) — چون در این موقع کلیه استعداد نادر شاه بیش از یکصد هزار نفر نمیشد و از طرفی هم رفتار اهالی افغانستان نسبت به ایرانیان خصومت آمیز بود، مشارالیه صلاح در این دانست که قبلاً وسایل ارتباط را با خط « اصفهان » تأمین و بعد به تعرض خود ادامه دهد. بدین جهت مصمم به تسخیر قلعه « کابل » شد ، مشروط بر اینکه سمت بلوچستان در تحت مراقبت باشد .

(۱۰) — اقتباس از کتاب ژنرال « کیشمیش اوف روسی که هشتاد سال قبل درشهر « سن پترسبورغ » بطبع رسیده است . ج : ق

اعاشه اردو تااندازهٔ تامین شده باشد. (۱۱)

البته اگر قواي ایران تدارکات خود را در بهار قبل تاتمام رسانیده و در اول تابستان موفق بحرکت میشد، این اشکالات بمراتب کمتر و عملیات پیشروی به تعویق نمي افتاد.

مبادرت به تعرض ازوسط افغانستان بطرف هندکارس مشکل و سخت بود، ولی عزم آهنین و اراده توانای نادرشاه بر آنهمه موانع و مشکلات طبیعي و مصنوعي فایق آمده و بالاخره ستون هاي قشون را از جبال شامخه افغانستان عبور داده و موانع مصنوعی خصم را نیز منهدم ساخت.

تعرض از وسط افغانستان از مهمترین عملیات نظامی نادرشاه افشار بشمار است زیرا ازیك طرف تصرف قلاع متین افغانستان و از طرف دیگر استیلاي بر بلاد دور دست خطوط سوق الجیشی که در اثنای این تعرض تاریخی بسهولت و سرعت انجام گرفت، تمام اینها دال بر کفایت و دور اندیشي ومجاهدت خستگی ناپذیر این نابغه روزکار بود در اردو کشیهای سرداران مغرب زمین حتی در قرون اخیر هم کمتر دیده شده است که مانند نادر شاه بتوانند باوسائل آنروزه، قوای معظمی را از وسط یك مملکت صعب العبور کوهستانی بدون تلفات وخسارات مهمی عبور داده و موفقانه به هدف حقیقی برسانند.

در آرایش راه پیمائي قرارگاه کل متعاقب ستونها حرکت مینمود و بسیاری از امراء و سرکردگان ایران و ممالك مسخره ملتزم رکاب نادرشاه بودند.

درجلو ستونهاي پیاده مطابق اصول جنگی آنروزه یك عده سوار نظام سبك به ترتیب ذیل حرکت مینمود:

---

(۱۱) قبل از شروع عملیات جنگی موقعیکه استعداد کل قوا درصحرای «قندهار» تمرکز و درحال اجتماع توقف داشتند، نادرشاه که فرماندهی کل قوارا بعهده گرفته بود، در حضور فرماندهان و صاحبمنصبان و افراد نطق ذیل را ایراد کرد:

صورت نطق: «مشکلات گذشتن از در بند های صعب العبور و سلسله جبال مرتفع و رود خانه های»
«عظیم بسیار مشکل است، بایدباقشون سلطنتی هندوستان بجنگیم وبخت خودمارا درچنین»
«جنك مهم بمعرض آزمایش گذاریم. فتح وموفقیت، ماوملت ایران راسربلند ومغلوبیت وشکست»
«قشون، ملت ودولت را بذلت خواهد انداخت. دراین جنك عظیم وسفرطولانی نه تنها ما،»
«بلکه تمام ملت هم از غنائم و ثروت هندوستان بهره مند خواهیم شد. برویم ه خدا»
«باما است.»



ومغرب غربی شروع به تعرض نمودند وهمینکه در حدود شهر نائره جنگ افروخته
و اضطراب فوق العادهٔ به اهالی دست داد و با اینکه بنا بر مرسوم قرون اخری شه

« جنك مهم بمعرض آزمایش گذاریم. فتح وموفقیت، ما وملت ایران را سربلند ومغلوبیت وشکست »
« قشون ، ملت ودولت را بذلت خواهد انداخت . دراین جنك عظیم وسفرطولانی نه تنها ما ، »
« بلکه تمام ملت هم از غنائم و ثروت هندوستان بهره مند خواهیم شد . برویم به خدا »
« باما است. »

عده سردار افشار مرکب از ۶۰۰۰ سوار و دوعراده توپ سبك از قریه «هیرمند آباد» حرکت و مأموریت داشت از طریق قندهار — غزنین بسمت گردنهٔ «شیردهان» پیشروی نماید .

عده حاجی‌بیك سرتیپ مرکب از ۴۰۰۰ سوار میبایستی ازجنوب شهر قندهار درتعقیب رودخانه «تارناه» پیشروی نموده، درطرف مغرب دوفرسنگی گردنه «شیردهان» به قوای سردار افشار ملحق شود و عند اللزوم در ساحل چپ رودخانه مزبور اکتشافاتی بعمل آورند .

مطابق اصول تاکتیکی قرون اخیره چون تعرض اولیه، پوشش قوا، تعیین هدف اصلی، اکتشافات سوق‌الجیشی بعهده سوار نظام بود، بدین لحاظ قسمت سوار درپیشاپیش قشون حرکت، پیاده نظام در قلب و سایر دستجات هم مؤخره الجیش را تشکیل میدادند .

در موقع پیشروی ترفیق توپخانه با سوار نظام هم یکی از قواعد جنگی نادرشاه بود و در اردوکشیهای معظم‌له قوای مقدم ایران همیشه مجهز به توپخانه سبك می‌شد . وضعیت جاده های آنروزه برای عبور توپخانه سنگین مناسب نبوده و بعلاوه وجود سلسله جبال سلیمان وشیردهان در سر راه و نزدیکي فصل زمستان باعث شد که نادرشاه فقط از توپهای بسیار سبك کلیةً چهار عراده باسوار نظام حرکت دهد . پیشروی سوار نظام تا حوالي شهر غزنین بدون مانع عمده انجام گرفت و در حدود جنوب غربی این شهر براي اولین دفعه قواي طرفین باهم تماس پیدا کردند .

فرمانده ستون اول سوار، حاجی بیك سرتیپ، راجع باوضاع اهالی افغانستان غربی و استعداد دشمن راپرت مشروحی تهیه و روز چهارم رجب بخدمت نادر شاه ارسال داشت . پس ازوصول راپرت فوق واطلاع براینکه درشهر «غزنین» واطراف قوای مختصری از دشمن‌وجود دارد، نادر شاه تصمیم گرفت که هر دو ستون سوار نظام مقدم از طرفین به شهر مزبور تعرض نمایند وبرای تقویت آنها نیز عدهٔ سواری‌که تا آنوقت تحت امر مستقیم قرارگاه کل بود، باختیار سردارافشارگذاشته شد . خود نادرشاه نیز باقواي عمده بطرف غزنین حرکت نمود .

تا محل «قره باغ» شش فرسنگی غزنین عموم اهالی اظهار اطاعت نموده و مراسم احترام و اعزازرا بجا آوردند و از جانب نادر شاه نیز بکلیه سکنه ابراز مهربانی وملاطفت شد .

روز ششم ماه رجب هر دو ستون سوار در اجرای حکم فرمانده کل از دو سمت، جنوب ومغرب غزنین شروع به تعرض نمودند وهمینکه در حدود شهر نائره جنك افروخته شد وحشت و اضطراب فوق العادهٔ به اهالی دست داد و با اینکه بنا بر مرسوم قرون اخری شهر دارای برج

و باروی مستحکم بود، معهذا موسی‌خان حاکم ولایت از شهر فرار نموده دفاع قلعه و شهر را بعهده اهالی واگذار کرد

محاربه عده‌پیشقراول سوار در جنوب شهر ادامه داشت و جمعی‌از افاغنه که درنیم فرسنگی شهر بودند بدفاع پرداختند ولی تهاجم سواران ایران مجالی بآنها نداده و شهر از هر طرف مورد تعرض‌واقع‌گردید. دراینموقع اهالی شهر چارهٔ جز اطاعت وتسلیم ندیده وباستقبال‌سوارانی که تا پای حصار و دروازه ها نزدیك شده بودند شتافتند.

اهالی دسته بدسته با بیرقهای متعدد از دروازه ها خارج و باستقبال سوار ها می دویدند و تفنگچیانی که از جلوسوار هامنهزم شده بودند در بین دستجات اهالی مخفي میگردیدند.

خلاصه شهر بدون قید و شرط تسلیم شد و مقارن ظهر سوار های ایران داخل شهر شده و عدهٔ از تفنگچیان را که در قراولخانه ها و مساکن اهالی مخفی و متحصن شده بودند خلع سلاح نمودند. عدهٔ این تفنگچیان بالغ برششصد نفر سوار و پیاده بود و بعلاوه پنج عراده توپ سنگین هم بغنیمت گرفته شد

مقارن غروب نادر شاه با عمده قوا وارد شهر گردید و روز ۷ بمناسبت اطاعت و انقیاد اهالی از تمام آنها استمالت نموده و اطمینان داد که جان و مالشان در امان است. موقع ظهر آن روز اعلانی در شهر منتشر شد که تأمین اهالی مشروط بر این خواهد بود که نسبت بحکام ومأمورین نظامی مطیع صرف بوده وباقوای ساخلوئی‌که برای‌حفظ وحراست شهر واطراف گماشته میشود کمال مساعدت و همراهي را داشته باشند و اگر بر خلاف رفتار نمایند شهر با خاك یکسان خواهد گردید.

روزبعد بستونهای‌سوار امر حرکت داده شد و علی‌الطلوع عده‌پیشقراولان بطرف«غربند» رهسپار شدند. توقف خود نادر شاه نیز در این محل چندان طول نکشید و پس از گذاشتن عده ساخلو در شهر و توابع آن، موکب نادری بطرف هدف وسطی (کابل) حرکت نمود.

روز چهاردهم پیشقراولان سوار نظام ایران دردهنه جبال شرقی « غربند » و « آلوهك» در نزدیکی گردنه « شیردهان » به عده های سرحدی هند و افغان بر خورده و مصادمه فیمابین شروع شد. ولی پس‌از زدوخورد مختصری قواي هندی‌از شکافهای آلوهك بطرف گردنه « شیردهان » عقب نشینی نمود.

وضعیت‌طبیعی گردنه برای‌دفاع فوق‌العاده مساعداست وبرای تهدید جناحین آن بهیچوجه راه مخصوصی پیدا نمیشود. علیهذا دستجات سوار نظام ایران بتدریج دریك فرسنگی «شیردهان» مجتمع شده و بوسیلهٔ اهالی به تحقیقات لازمـه راجع براههای اطراف کوهستان پرداختند. ضمناً چند نفر از اهالی را بمعیت دستجات گشتی‌اکتشاف در آن سمت فرستادند. متعاقب آن ۱۰۰۰ نفر پیاده با چهار عراده توپ سبك در سمت عمومی بحرکت آمد و دستجات سوار نیز پشت سر این عده بارامی رهسپار شدند.

قبل از ظهر محاربه از طرف دشمن بوسیله توپخانه شروع گردید و در این موقع فرمانده قسمت سوار عده خود را متوقف ودر داخل دره مجتمع ساخت. در جلوگردنه و تپه های اطراف آن از دور سنگر هاي متعددی دیده میشد ووضعیت تدافعی گردنه ازحیث جان پناههای طبیعی و سنگر هائی که تهیه شده بود خیلی مستحکم و حفاظت آن با عدهٔ قلیلی ممکن بنظر میرسید. آتش چهار عراده توپ سبك قوای‌ایران نسبت بانها چندان تأثیري نداشت ولی بر عکس آتش توپهاي دشمن‌بایرانیها صدمه زیادي میرسانید. در بین دستجات دیگر از قواي ایران‌که از تپه‌های اطراف دور زده بودند بهدف نزدیك شده و مقارن ظهر صداي تیر و تفنك آنها بشدت هر چه تمامتر درداخـل دره منعکس شده و بگوشها میرسـید. و چون اهالي محل (باستثناء اهالی سیاه کوه) (۱۱) با قشون ایران مساعد بودند براهنمائی چند نفر از آنها از جناح راست سیصد نفر پیاـه بطرف دستجات فوق اعزام شد. هنگام ظهر دستجات مدافعین جناحین خود را در معرض تهدید دیده، خط گردنه وتپه ها را تخلیه وبطرف کابل عقب نشینی نمودند. باین ترتیب معبر مهم شیر دهان آزاد شد و قواي ایران در حال ستون از این معبر گذشته حرکت خود را بسمت کابل ادامه دادند.

۲ــ اولین تلاقی قوای طرفین: تا امروز (۲۶ دسامبر) مصادمات بین طرفین تقریباً منحصر به‌بعضی زدوخورد هـاي قوای پیشقراول بود، ولي از دوم اکتبر کـه عـده هـاي افاغنه برای ملحق شدن به

(۱۱) موقعیکه درگردنهٔ « شیردهان » پیشقراول ایرانیان مشغول محاربه بودند، نادر شاه در بین راه به‌نقاط لازمه از قبیل (سیاه کوه) و [بازان] عدهٔ مخصوصی فرستاده بطوائف کوه‌نشین گوش مالی داده به این وسیله عقب‌سر و جناحین قوا را تأمین نمود:

قواي هند بطرف قلعه کابل عقب نشيني نمودند. از طرف نادر شاه حکم تعرض جدی بشرح ذیل صادر گردید:

قوای عمده با دوستون حرکت خواهد نمود: ستون اول از راه (سید آباد ـ شیخ آباد ـ خودکابل و کابل) و ستون دوم در سمت گردنه «با میان» (۱۲)

ستون اول تمام سوار نظام خود را بجلو انداخته در سمت کابل بحرکت آمد و ستون دوم نیز درسمت گردنه «بامیان» رهسپار گردید.

در این موقع ناصر خان فرماندهٔ قوای هند و افغان عده هـای خود را در جنوب کابل تمرکز میداد وازدربار دهلی نیز باو حکم شده بود که تا ورود قوای کمکی به معابر کوهستان، باید بهر وسیله شده است از پیشرفت اردوی ایران جلوگیری نماید ولی اولاً ورود قواي کمکی از پیشاوربطوریکه پیشبینی میشد صورت نگرفت و ثانیاً ناصرخان با عده موجوده خود اجرای امر را جلوگیری‌را در مقابل قوايکار آزموده‌ومعتني‌به‌نادرشاه محال می‌شمرد. علیهذا عده مقیم کابل را اجباراً به پسر خود (شرزه خان) سپرده و شخصا بطرف پیشاور حرکت کرد.

شرزه‌خان فرمانده‌قلعه باتکاء علماءومتنفذین محل‌اهالی‌رابدفع دشمن ترغیب‌وتشویق‌نمود و در نتیجه‌اقدامات مؤثر اودرظرف دوروز قریب ۲۱۰۰۰ نفر براي‌مدافعه حاضرشدند. ازاین عده دو هزار نفر در دو فرسنگی جنوب غربی کابل استقرار داشتند

قواي ایران پس از منهزم نمودن قواي مقدم هند، روز سوم اکتبر بمسافت يك فرسنگی قلعه رسیده اردوی زدند و طلایه های طرفین در حال تماس بودند

يك روز بدینمنوال گذشت و از تسلیم شدن قلعه خبري نرسید، زیرا قبلاً گفتگوئی در بین بود که افغانیها رسولي با بیرق سفید فرستاده و بدون جنك تسلیم میشوند.

روز چهارم اکتبر، مجدداً حکم پیشروي صادر شد. قواي پیشقراول ایران چندین دسته گشتی مأمور اکتشاف برای تحقیق وضعیت استحکامات قلعه باطراف آن فرستادوهمینکه‌دستجات اکتشاف به حصار هـای قلعه نزدیك شدند از طـرف مستحفظین قلعه بآنها شروع‌به شلیك

---

[۱۲] — یکماه قبل از حرکت عمومی قوا، به قوای مقیم [مرو] که جدیداً بنا براوضاع ترکمنستان درتحت فرماندهی رضا قلی میرزا قرار داشت، امر شده بود بعد از عبور از گردنه «بامیان» در حوالی همین جاده یعنی در بین کابل و غزنین به‌اردوی شاهنشاهی ملحق شود. ج : ق

شد وبدین ترتیب اولین محاربهٔ جدی بین طرفین در گرفت . (۱۳)

۳ - محاصره قلعه کابل

کابل با استحکامات ناقصی که داشت ، حصن حصینی محسوب نمیشد و در واقع یکی از قلاع ناقص قرون اخری و بمنزلهٔ موقعیت مستحکمي بود که در خط دفاع قلعه خیلی از بروج آن کسر بود .

هر چند شرزه خان فرماندهٔ جدید قلعه ، توانست که تا اوائل محاصره نواقص را تا یکدرجه معجلاً تکمیل نماید .

شهر کابل در محل پستی واقع است که از سه جهة بکوه های بی آب و علف محدود میباشد . رودخانه معروف به « کابل رود » هم از قسمت جنوب غربی داخل رشته جبال ، دره را تشکیل میدهد که یگانه معبر آنجا محسوب میشود . خط سوق الجیشي هند به غزنین ازهمین دره عبور مینماید . برای حفظ این معبر از قسمت جنوب شرقي شهر از روی ارتفاعات جبال تا خود همین دره حصاری با باروهاي بالنسبه محکم کشیده شده و همین حصار از سمت دیگر تا برج «عقابین» یعني طرف غربی شهر امتداد پیدا می کند ، بعلاوه خود شهر هم دارای خندق وخاکریز های عمده است .

ب ـ شروع تهاجمات

نادرشاه تصمیم گرفت قوای سوارنظام را تماماً برای سد کردن راه پیشاور ویك قسمت ازپیاده را برای محاصره قلعه مأمور نماید .

دراجرای این تصمیم سوارنظام ایران درمشرق کابل روي خط (پیشاور ـ کابل) استقرار یافت

---

[۱۳] — خلاصه وقایع: نادر شاه بعد ازتسخیر « غر بند » و « غزنین » و گذاشتن ساخلو مکفی در آنجا، به محیط شهر « کابل » آمده آنجا را محاصره کرد . ناصر خان فرماندهٔ قوای هند ، قبل از ورود نادر شاه از شهر کابل حرکت کرده به شهر « پیشاور » رفت ولی « شرزه خان » مدت شش هفته شهر و قلعه کابل را دلیرانه حفظ کرد و مکرر به ناصر خان و به در بار هند کاغذ نوشت و امداد خواست ، کسی نداد او نرسید بالاخره قشون نادرشاه شهروقلعه را به یورش گرفتند واو وپسرش را بقتل رسانیدند . نادرشاه خزینهٔ از جواهر و اسلحه و غیره که قیمت آنها بمبلغی گزاف میرسید و از زمان پادشاهان بابری در زیر زمینها محفوظ بود بدست آورد :

اقتباس از تاریخ هند و افغان ج : ق

در ششم اکتبر ۱۷۲۸ (مطابق سوم ربیع الاول) قسمتی از قوای پیاده که مأمورتصرف قلعه بود مطابق اصول معمول آن قرن شروع بعملیات محاصرهٔ نمود .

قوای فوق شب هفتم اکتبر خود را به نزدیك قلعه رسانیده سفیده دم بازد وخورد مختصری قریه« اولنك » را متصرف شدند .

توپخانه در محیط قلعه مشغول بمباردمان بود .

قریه مذکور در اول تنگه واقع و تا کوه سیاه نیم فرسنك مسافت دارد و برای اشغال این مسافت نیز عده مستقلی معین شده بود .

خلاصه نادر شاه در محیط اطراف قلعه کابل بیست فوج را بهقطعات جنگی مختلفه مأمور گردانید ودرنتیجه اکتشاف تعرضي معلوم شد که برج « عقابین »کلید تمام سنگر ها و برجهاست و استیلاي بشهر منوط به تصرف این برج است . موضوع تصرف برج مزبور در شورای سرداران و فرماندهان قشون مطرح و در لیله هشتم قرار شد افواج لرستان و ترا کمه براي تصرف این برج مأمور شوند .

روزهفتم محاربه با فواصل زیاد درهرنقطه اطراف ادامه داشت ولیهنوز قواي عمده شروع به تعرض ننموده بود و فقط دستجات گشتي افواج به اکتشاف تعرضی مشغول بودند .

مقارن ظهر عدهٔ از مدافعین قلعه از کوههاي اطراف خارج شده و مبادرت بجنك کردند ولی عملیات آنها بي نتیجه ماند .

در مناطق دیگر نیز تا مقارن غروب زد و خورد ادامه داشت . هنگام غروب بامر نادرشاه افواج هرسین وبروجرد در سمت برج عقابین شروع به تهاجم نمودندو با اینکه موقعیتشان خیلی نامساعد و خطرناك بود معهذا حتي المقدور پیشروي آنها در تحت حمایت آتش توپخانه انجام مییافت . مقارن ساعت ۱ شب،دشمن در تحت فشار مهاجمین مواضع مقدم را تخلیه نمود و مواضع مزبور بتصرف و اشغال ایرانیین درآمد و باین ترتیب از سمت مغرب استحکامات، بشهر دسترس پیدا کردند .

شب بدون حادثه گذشت و از صبح روز هشتم مجدداً دراطراف قلعه محاربه شروع شد .
در سمت مغرب حدود منطقه عقابین جنك شدید وخونینی در گرفت ، زیرا ایرانیان شبانه توپهارا بمواضع اشغالی حمل نموده ودر تمام مدت روز برجعقابینرا هدف آتش توپهاي خود قرارداده بودند

.ر نتیجه بمباردمان توپخانه، طرف عصر باستحکامات برج خرابی زیادی رسید و راه تعرض پیاده از شد. لهذا از افواج بختیاری، لزگی و ترکمن یك عده داو طلب شده و باکمال تهور و رشادت خود را بقله کوه رساندند و از آنجا به داخله برج خمپاره های دستي انداختند ومدافعین را مجبور ه خارج شدن از برج نمودند.

در تعقیب این عده داو طلب افواج لرستان که صفوف حمله را تشکیل میدادند با قدم دو خود را به آن نقطه رسانیده و مواضع متصرفی را توسعه دادند ولی تنگی وقت و تاریکی شب دامه عملیات را بیش از این اجازه نداد.

در سایر مناطق نیز پیشرفتهای مهمي شده بود و آن شب‌را قوای طرفین بحال هوشیار و حاضرالسلاح بسر بردند و حتی در بعضی نقاط نیز مصادمات مختصری بوقوع پیوست.

روز بعد ۹ اکتبر از ارتفاعات مشرف به قلعه کابل بوسیله توپهائي که دستجات داوطلب آنجا کشانیده بودند بطرف قلعه بمباردمان شروع شد. مواضع مهم تدریجاً از تصرف مدافعین خارج شد و تیر های توپخانه ایرانیان باکثر بنا ها و عمارت حکومتی خرابي و خسارت عمده وارد آورد. (۱٤) امروز پیشرفت مهم فقط در این منطقه بود و قسمت عمده قوا در پشت این منطقه تمرکز یافت. اگر توپخانه موجوده برای تمام محیط قلعه کافي بود، قلعه حتماً همان‌روز سقوط ی کرد ولی در سمت جنوب شرقي آن هنوز نقاطی‌مانده بود که کاملاً تحت محاصره وفشار مهاجمین ر نیامده بود. علیهـذا یك قسمت از سوار های مدافعین شبانه از آن سمت خارج شده از یراهه بطرف پیشاور فرار کردند. خارج شدن این‌عده‌برای مدافعین بهتر بود زیرا اینها در شهر کاري جز گردش در کوچه ها و پاسبانی نداشتند. در همین شب ایرانیها در نقاط دیگر هم حمله مودند ولی موفقیتی بدست نیامد و زد خورد تا صبح ادامه داشت. روز بعد ایرانیها مجدداً شروع تعرض نمودند و مدت چهار روز لاینقطع محاربه در محیط قلعه دوام داشت

در هفته ششم ایرانیان ازهرطرف‌شروع به‌تعرض نموده و جنك سختی درگرفت. روز آخر محاصره‌ایرانیها درطول‌قلعه‌مجدداً بحملات‌شدیدی مبادرت ورزیدند ولی آن روزهم حملات آنها از طرف افاغنه و هندیها دفع شد. مخصوصاً شرزه خان بي نهایت فداکاری بخرج داد.

شب بعد ایرانیها هجوم کرده و موفق به تصرف بعضي از استحکامات قلعه شدند.

---

۱٤ — از تاریخ افغانستان تألیف فضلی بیك اقتباس شد. ج: ق

ج ـ سقوط قلعه: فرداي آن روز بامر نادر شاه تمام افواج بلادرنك بشهر هجوم آور شدند و در اثر این تهاجم استحکامات مهم قلعه سقوط پیدا کرد و یك قسمت از مدافعین که شرزه خان هم جزو آنها بود از طرف شمال قلعه خارج شده و بحال تهاجم موفق بفرار گردیدند. اهالی با این وضعیت جز تسلیم و اطاعت چارهٔ ندیده جمعی را ازبین خود انتخاب و برای اظهار انقیاد باردوي ایران اعزام داشتند. نادر شاه ازجسارت جاهلانه آنها در گذشته امر و مقرر فرمود در صورتی که کلیه خزائن و مخازن دولتي را به مأمورین اردو تحویل نمایند، از تأدیه غرامت جنك هم معاف خواهند بود. اهالی نیز امر معظم له راعیناً اجرا نمودند و تمام خزانه و قورخانه که در عمارت ارك محفوظ بود تحویل صاحبمنصبان قشون ایران گردید. از جمله غنائمی که به تصرف قواي ایران در آمد ۱۰۰ زنجیر فیل و مقدار معتنابهٔ آذوقه بود. فیلها به قسمت نقلیه سپرده شد و آذوقه هم بین افواج تقسیم گردید. از اهالی شهر نیزعدهٔ را داخل خدمت قشون نموده، برای خدمات راه سازی وتعمیر پلها و بعضی بیگاریهای دیگر مأمور ساختند.

پس از تصرف قلعه کابل دیگر درروی خط سوق الجیشی هندوستان مانع بزرگی نبود جز معبر «خیبر».

عبور از معبر سوق الجیشی هندوستان بسیار مشکل بود. صرف نظر ازموانع طبیعي وجنگی، چون درعملیات اولیه درعرض راه از[قندهار — تا کابل] بکلیه دواب نقلیه قشوني صدمه زیادی وارد شده بود، لهذا نقشه فرماندهٔ کل قواي ایران براین شد که چندی در حدود شهر کابل توقف نماید تاافراد قشون ودواب نقلیه رفع خستگی نموده وضمناً هم نواقص کارهای قشونی رامرتفع سازند. همچنین در اطراف خطوط سوالجیشی اقدامات لازمه را اتخاذ نمایند که بدین وسیله از خطرات عقب سر و جناحین آسوده باشند.

<u>مطالعه ـ</u> پس ازمحارباتی که درافغانستان بوقوع پیوست، درصحنه جنك طرفین سکوت وآرامش تامی حکمفرما شد: هندیها بواسطهٔ عدم موفقیت درمحاربات افغانستان مجبوراً منتظر رسیدن قوا از (دهلی) شدند و ضمناً فرصت را غنیمت شمرده میخواستند قلاع شمالی پیشاور و لاهور راحفظ نمایند. از طرف دیگر ایرانیها هم نمیتوانستند از افغانستان بطرف مشرق حرکت کنند زیرا اولاً قوای آنها کافي نبود، ثانیاً زمستان سختی در پیش بود و ثالثاً مسافرت طولانی افراد و دواب را طوری خسته کرده بود که بدون راحت باش بزرك عملیات پیش روی غیرممکن بود. لهذا طرفین قریب چهل و شش روز در اردوگاههای خودساکت ماندند یعنی ایرانیها درحدود کابل خیبر و هندیها در پیشاور و لاهور.

فصل سوم
عملیات در معبر خیبر

· حرکت اردو بطرف تنگه خیبر

۱ ــ طرح جدید عملیات قشون ایران :

چنانکه در فصل دوم ملاحظه شد ، نادرشاه با سقوط قلعه « کابل » هنوز نتیجه قطعی را بدست نیاورد . اگرچه در تهاجم اولیه قوای متفق هندوستان درجبهه افغانستان کاملاً مغلوب و منکوب شده بود ، ولی چون قوای خود هندوستان هنوز دست نخورده مانده و ممکن بود درعقب سر معبر خیبر (۱۵) و در مشرق سد رود بزرگ « سند » (که دارای ۲۱۰۰ کیلومتر طول میباشد) ودر جبههٔ که از کوههای هندوکش تا دریای عمان امتداد مییافت قوای هند مجدداً جمع آوری و تمرکز یابد .

بنا بر این احتمال ، نادرشاه ساعی بود هرچه زودتر از خاك افغانستان بجانب هندوستان حرکت وفرصت خودآرائی بدشمن ندهد . ولی چون ستون شمال (تحت فرماندهی رضاقلی میرزا) هنوز نرسیده بود و مطابق راپرت واصله ستون مزبور در اوائل ماه نوامبر بقوای عمده ایران ملحق میشد ، لذا نادرشاه حرکت اردو را قدری بتأخیر انداخته و پس از خاتمه امورات داخلی « کابل » قریه « هندك » را در قرب جوار کابل برای اقامت اردو انتخاب نمود . این قریه از حیث آب و هوا و داشتن مراتع سبز و خرم برای اقامت اردو کاملاً مناسب بود . ضمناً تیپ سوار (بیك افشار) را تا نیم فرسنگی جلال آباد حرکت داده ، مراسلهٔ به محمد شاه نوشت و دو نفر از رجال افغانستان را با قاصد مخصوص حامل مراسله به پایتخت هند روانه نمود که حقیقت امر را به محمد شاه مکشوف ساخته و باو بفهمانند بعد از سقوط قلاع مهم افغانستان که در واقع دربهای سوق الجیشی هند محسوب است اقدام بمقابله و جنك جز خرابی مملکت سودی نخواهد داشت .

---

(۱۵) معبر « خیبر » یکی از مشهور ترین تنگه مشرق زمین میباشد که قدما آنرا کلید شمالی هند مینامیدند . مؤلف

ولی متأسفانه این مراسله بمقصد نرسیده (۱۶) و قاصدها بالاخره بقتل رسیدند. (۱۷)

پس ازآنکه نادرشاه بوسیله سیاست نتوانست مصالحه جنك‌را فراهم نماید، مجدداً برای تعرض سریع تصمیم گرفت. از طرف دیگر برای تأمین آذوقه و تهیه سیورسات اردو مأمورین باطراف فرستاده شد ـ و پوشش راه هند نیز بوسیله‌قوای سوارنظام کاملاً انجام گرفت. در این بین چون ساکنین قسمت‌شرقی افغانستان هنوز تحت‌اطاعت درنیامده بودند وبیم‌اغتشاش ومزاحمتی‌ازآنطرف میرفت، لذا اردوی مخصوصی برای انقیاد طوایف آنحدود اعزام گردید و در نتیجه مصادمات مختصری طوایف آنجارا مطیع وخلع سلاح نموده با غنائم زیادی به « هندك » مراجعت نمود.

نادرشاه ازپیشرفت سریع‌عملیات اردو بی‌اندازه خوشوقت‌شده وازنقطه‌نظر اینکه حتی‌المقدور ازتعداداشرار و گردنکشان‌محلی‌کاسته باشد به تمکین و اطاعت ظاهری رؤساء طوایف مذکورقناعت ورزیده‌ازاغلب‌آنهادلجوئی‌نموده وامر کردعدهٔ ازافراد خودرداداخل خدمت‌قشون نمایند. (۱۸)

در این موقع قوای سوارنظام که قبلاً بطرف مشرق اعزام شده بود قصبه (جلال آباد) را بسهولت تصرف و اشغال و قسمت شرقي آنجا را بصورت تدافعي در آوردند. در نتیجه قرارگاه کل از قریه « هندك » به « جلال آباد » انتقال یافت. اهالی جلال آباد و نواحی اطراف برای هر نوع خدمتگذاری حاضر و آماده شدند.

روز هشتم نوامبر ستون شمال بفرماندهي رضاقلی میرزا وارد « جلال آباد » شد و در جنوب جلال آباد در محلی موسوم به « تمکه ده » اردو زد، عده ستون مزبور که بالغ بر یازده هزار نفر بود فردای آنروز از سان همایونی گذشت. چون این ستون از مسافت بسیار دور رسیده بود

(۱۶) حاکم جلال‌آباد نماینده‌نادرشاه را ازرفتن به پایتخت‌هند منع وباو وهمراهانش چنین‌حالی‌نمود که این‌مسافرت شما با این پیغامات مهم خطر عظیم دارد و شما وجه مصالحه خواهید شد، آنها هم‌این صلاح بینی‌حاکم را قبول کرده از حرکت خود داری نمودند. از تاریخ ژنرال کشمش اوف اقتباس شد

(۱۷) نادرشاه قاصدهارا مجازات نموده، و شخص دیگری را برای اینمقصود به «دهلی» فرستاد.

از تاریخ فضلی بیك اقتباس شد.

(۱۸) فرماندهان بزرك درموقع جنك اقدامات سیاسی خود را با حرکات سوق الجیشی وتعبیة الجیشی توأم کرده درداخله مملکت و در خارجه نمایشات و اظهاراتی که برضد قشون داده میشود ساکت مینمایند تا درموقع مقابله با فراغت خیال واطمینان کامل بهمراهی دولت و ملت مشغول‌طرح نقشه و اجرای آن گردند.

سیاست تنها مبارزه دولت خواهد بود. ج.ق.

اوضاع و احوال آن بنظر فرمانده کل قوا خیلی پریشان آمد، اغلب افراد آن فاقد اسب بودند و آنهائی هم که اسب داشتند اسقاط و بی پا شده بود.

تجهیزات دواب خراب بود ودرحدود یك ثلث عده اسلحه وملبوس مرتبی نداشتند. مشاهده پریشان حالی این عده باعث تأسف فرمانده کل قواشد، زیرا رؤساء قسمتهای مختلفه ستون لا اقل میتوانستند در ترکستان غربی که اسبهای ممتاز وارزان دارد نواقص ستون را ازحیث اسب مرتفع نمایند

در هرحال نادرشاه امر داد بفوریت برفع نواقص این ستون بپردازند. تمام فرماندهان (مین ها) و معاونین آنها هر یك دو رأس اسب یکی برای سواری ویکی جهت حمل بنه خریداری کنند.

تهیه دواب برای این ستون بعهده اهالی کابل و اطراف آن مقرر گردید و اسلحه خراب افراد با تفنگهای مخزن کابل معاوضه شد و لباس عده هم در ظرف سه روز بوسیله خیاطخانه اردو فراهم آمد.

نظر بجنگهاي متوالی در ترکستان وشمال افغانستان و مشقات وزحمات زیادی که افرادستون درمدت مأموریت خود تحمل نموده بودند، بکلی خسته وفرسوده شده وروحیه شان بنظر خوب نبود، علیهذا عدهٔ از افراد ستون را باافراد قسمتهای جدید تعویض نمودند وبعلاوه در تشکیلات داخلی ستون هم تغییراتي دادند.

برای تشویق و ترغیب صاحبمنصبان و افراد این ستون و بپاس خدمتگذاری و فداکاری آنان، نادرشاه هر یك را بفراخور حال و مقام او باعطاء پاداش مفتخر گردانید. رضا قلی میرزا فرمانده این ستون را بپای تخت (اصفهان) معاودت داده، سرتیپ حسینقلی خان را بجای وی به فرماندهی ستون شمال انتخاب فرمود.

۲ ــ تعرض به تنگه خیبر ــ

چون قشون نواقص خود را رفع و از هر حیث مهیای تعرض شده بود، لذا نادرشاه بیش ازاین معطلی را جایزندانسته حکم تعرض ثانوی را درجلال آباد بدین ترتیب صادرنمود:

ستون اول سوارنظام تحت فرماندهی « بیك افشار » بطرف « باریکاب » حرکت و جناحین راه (جلال آباد ــ باریکاب) را تا یك فرسنگی تأمین نموده با استفاد از عوارض زمین نسبت به قوای هند و افغان که در کوههای اطراف و در (دککا) استقرار دارند، تولید زحمت و اشکال نمایند.

ضمناً از تعرض این قوا بخط سوق الجیشي مانع شده با تمام وسائل ممکنه از محاربه جدی با قوای افزون ترهندي احتراز نمایند. چنانچه احباراً داخل محاربه شوند ازستون شمال سابق الذکر که درپشت سرآنها در حرکت است استمداد بطلبند.

ستون دوم سوار نظام بمسافت نیم فرسنك به تعاقب ستون اول حرکت نموده و هر آن حاضر به کمك وتقویت خواهد بود.

فرمانده پیاده نظام عزیمت افواج خود را یك روزبعد از حرکت سوار معین و راه پیمائي آنها را اداره خواهد نمود.

طرح تعرض به تنکه خیبر در آتیه معین خواهد شد.

روز ١١ ماه شعبان (مطابق باهم نوامبر) بنا بر حکم فوق تمام قوا درسمت مشرق بحرکت در آمد.

ستونها به تأني روزی پنج فرسنك راه می پیمودند و انتظام امور راه پیمائی در طول خط سیر قوا موجب [illegible] قرارگاه کل بین ستون‌های سوار وپیاده حرکت مینمود.

در روز ١٢ ماه [illegible] ستون اول سوار قریه مهم «باریکاب» را بدون حادثه اشغال و تمام اردو هم پس از [illegible] محل مزبور رسید.

روز ١٣ ستونهای عمده در روی خط سوق الجیشی و ستونهای فرعی از جناحین این خط و از [illegible] بحرکت در آمدند.

[illegible] ١٤ [illegible] نظام راحت باش نموده و قسمتی از سوار بحال پیاده در یك [illegible] و تجسسات پرداخت.

[illegible] ١٥ [illegible] هم شروع بحرکت نموده، توپخانه از قسمت مؤخر ستونها بطرف [illegible] آن [illegible] چهارهزار نفری که مأمور تهیه وترتیب منزلگاه بودند [illegible] روز ١٦ [illegible] ستونهای سوار نظام قصبه (دکا) را بدون مقاومت اشغال کرد [illegible] ١٧ [illegible] وارد قصبه مذکور گردید.

[illegible] قرار (دکا) استراحت نمودند وروزهیجدهم چندین گشتی اکتشافی [illegible] خیبر واطراف اعزام شدند. روزنوزدهم نتیجه اکتشافات واطلاعات

گشتیها بعرض نادر شاه رسید و برطبق آن معلوم شد عده معتنی بهٔ از قوای دشمن برای حفظ و حراست معبر «خیبر» مأموراست وخود ناصرخان فرمانده قوای مقدم هندهم باقواي عمده درحدود «جمرود» مراقب تمام خطوط جاده جنوبي است.

در قریه «دکا» نادرشاه شروع بیك رشته تحقیقات کاملی از اوضاع جاده «جمرود — پیشاور» نموده ودر نتیجه معلوم شد که جاده مذکور هرچه نزدیکتر به تنگه خیبر میشود، بهمان اندازه سخت تر و صعب العبورتر میگردد بعلاوه در ضمن تحقیقات معلوم شد که ازکوه معروف به «سه جوبه» هم راه عبوری بطرف «جمرود» موجوداست که بمراتب مشگلتر ازجاده معمولی است وبطریق احاطه ازنزدیکي تنگه «خیبر» گذشته به «جمرود» میرسد. بمناسبت اشکالاتطبیعی این محل قشون هند ازحفظ آنجا چشم پوشیده و عجالةً در آنحدود عده مستحفظی وجود ندارد. در صورتیکه قسمتي ازقوا بتواند ازاین راه سختعبور نماید، درعقب قوای مقدمدشمن(ناصرخان) سر درخواهد آورد.(۱۹)

نادرشاه پس ازتفکر [illegible] تصمیم گرفت که از همین [illegible] با وجود بودن طوایف زیاد در کمین راه خود را به پشت قوای خصم برساند.

این مطلب را در رده داشته وخیلی مراقب [illegible] آرابس جنگی او پی نبرد — و برای این که بکلي خیال دشمن را ازاین رهگذر [illegible] به نقطه دیگری جلب نماید، یکعده عملجات ازفوج نقلیه را برای تسطیح جاده معمولی [illegible] و بکار وا داشت. دو روز بهمین منوال در تحت نظریات شخصي خود افراد نقلیه را [illegible] محلی مشغول بمرمت واصلاح جاده سوق الجیشی نمود، بطوری در این [illegible] که برای دشمن یقین حاصل شد که قوای ایران قطعاً از ان جاده [illegible] خواهد نمود و بهمین جهت ناصرخان فرمانده قوای مقدم هند و مدافع خیبر [illegible] مقدم «خیبر» برآمد. (۲۰)

روز ۲۱ ماه [illegible] نزدیك غروب نادر شاه افشار بکعده

---

[۱۹] — قشونهای مغول و [illegible] قریب شصت هزار نفر تلفات دادند.
— اقتباس از تاریخ ترکستان —

[۲۰] — دو روز قبل هشت عراده توپ برای سد [illegible] خیبر» از «پیشاور» به اطراف مغرب حرکت نمود ولی عملیات دورانی ایرانیان مدافعات خیبر را [illegible] ودروسط راه ماند — از کتاب فضلی بیك —

ازقوارا انتخاب نموده بهمراهی خود ازراه « سه جوبه » بسمت « جمرود » بانهایت سرعت رهسپار شد. شش فوج پیاده نیز براي تعرض به داخله تنگه معین وهمان ساعت حرکت نمودند. ده‌عراده توپ برای کمك در تعقیب آنها حرکت و دوهزار نفر پیاده براي پهلو داری اینها انتخاب شد که آنها با تفنگهاي کوتاه وسرنیزه های مرغوب مسلح بودند ومأموریت داشتند وقتیکه افواج پیاده به تنگه « خیبر » حمله ور شوند اینها هم از جناحین به کوهای طرفین هجوم آورند.
[نقشه نمره ۳]

پنج فوج پیاده با دوهزار قدم فاصله در پشت سر افواج مقدم حرکت‌نمودند. برای اینکه در شب تاریك افراد افواج مقدم با فوجهای خط دوم ارتباط محکمی داشته باشند صاحبمنصبان بسیار جسور و متهور و تجربه دیده انتخاب شدند.

بعد از نصف شب این عده به دهنه معبر رسیده در تعقیب یکدیگر بطور تأنی شروع به تعرض مینمایند.

موقعیکه‌این عده ها از سمت مغرب به معبر فشار میاوردند نادر شاه هم از طرف‌جنوب‌شرقي مشغول‌اجرای‌حرکت‌دورانی بود.نادرشاه شخصاً درجلو عده‌ویکه‌سواران وپیادکان رشیدش ازعقب باکمال عجله در آن ظلمت شب در کوهها حرکت مینمودند و برای طلوع فجر خود را برشته جبال عمدهٔ رسانیده نهایت تاب وتحمل را درعبور از آن معابر سخت‌بخرج دادند ومقارن ظهر نادرشاه با قشون خود وارد خط سوق الجیشی بیشاور ــ خیبر گشت که در این موقع افواج در دهنه غربي معبر باکمال رشادت به مواضع هندیها تعرض میکردند

در این موقع فرمانده قوای مقدم هند بتوسط‌سرارنظام عقب‌دارخبري‌دریافت نمود که قوای ایران‌خط عقب روی را بریده از سمت مشرق به تنگه تعرض میکند. ناصر خان فوری ازمقصود نادر شاه مطلع گشته ولی وقتي این خبر به وی رسیده‌بود که‌حاجی بیك‌افشار فرمانده پیشقراولاز نادرشاه در یك فرسخي محل مشارالیه بو.، طوری وحشت و اضطراب در اردوی ناصر خان پید شد که مشار الیه صلاح خود را براین دید از « جمرود » بطرف « سند » عقب بنشیند و بفوریت این‌مقصودبطور طبیعي‌بموقع اجرا گذارده‌شد.

عقب نشینی سریع قوای ناصرخان از بیراهه تمام قوای هند متوقف « خیبر » را در مهلك انداخت. ستون متحرك ایرانیان‌به قطع راه عقب نشینی و محاصره قوای « خیبر » نزدیك شدند

و رئیس قوای مقیم تنگهٔ (خیبر) از عقب نشینی ناصرخان بی اطلاع بود وپشت سر وجناح چپ خودرا محفوظ میپنداشت و از جبهه با اردوي دوم ایران مشغول زد وخورد بود ولی بعد از نیم ساعت از قضیه مسبوق شده فوج [لاهور] را مأمور مسدود نمودن راههای اطراف نمود.

دراینموقع ستون دورانی ایران درمشرق معبر باعقبدار قوای ناصرخان مختصر زدوخوردی نموده و آنهم البته برای قشون چندان نتیجه نداشت وبمغلوبیت هندیها خاتمه یافت وناصرخان یکعده را سالماً به پیشاور رساند ولی قسمت دوم درمعبر ماند.

نادرشاه باستون خود مواضع تخلیه شده را تصرف نموده کلیه اثاثیه وآذوقه وقورخانه اردوي ناصرخان را بتصرف در آورد.

موقع ظهر نادرشاه یکعده را از سمت مشرق بطرف مغرب به تنگه «خیبر» فرستاد که دراین موقع افواج اردوی دوم ایران هم بداخله تنگه رسیده، هندیهاي مقیم معبر راکاملاً بقتل رسانیدند

بعد از فتح خیبر قشون ایران در دهنه شرقي معبر برای اینکه بقیه قوا از « دککا » برسد چهارروزدر « نمازگاه » اقامت نموده وسوارنظام راتانزدیکی شهرپیشاور اعزام داشت ودرظرف این مدت تمام وسائل نقلیه که از قواي مقدم هند بدست آورده بود بین قسمتهای قشونی تقسیم کرد.

تلفات ایرانیها ۲ نفر صاحب منصب و ۲۰ نفر تابین بود — ازهندیها قریب صدها نفر تابین بقتل رسید

مطالعه

علت شکست خوردن قوای مقدم هندیها اولاً بواسطه تفوق کلي قشون ایرانیها . ثانیاً نقشه جدی ومخفي نادرشاه بود که بدون اینکه کسي ازخیال معظم‌له مسبوق بشود با کمال سرعت و قطعی انجام گرفت . ثالثاً چون ناصر خان بیش از وقت بعقب نشینی مبادرت نمود و به قسمتهای مقیم تنگه « خیبر » نیز اطلاع نداد، باین جهت تلفات و ضایعات زیادی بقوای هند وارد آمد. رابعاً قوای روحیه هندیها قبلاً خراب شده بود.

عملیات ایرانیها دراین محاربه دارای محسنات ذیل بوده :

۱ـ طرح تهاجم وعبور ازگردنه های اطراف را از روي دقت وعاقلانه تهیه نموده بودند.

۲ـ ازعوارضات طبیعی بخوبی استفاده میکردند.

۳ـ حملات و حرکات دورانی را با سرعت و شهامت انجام میدادند.

٤ـ تمام افرادوصاحبمنصبان ازنیت وشجاعت فرمانده کل قوا مسبوق ومطیع صرف او بودند.

فصل چهارم
عملیات در خاك هندوستان

۱ ــ شرح وقایع بطور اختصار ــ « بعد از فتح (خیبر) قشون ایران وارد خاك »
« هندوستان شد . نادر شاه عده قشون را »
« (در نمازگاه) عقب گذاشت و خود با ده هزار سوار نظام منتخب چهار روزه به محیط شهر [پیشاور] رسید »
« ناصر خان فرمانده قوای نظامی هند با هفت هزار سوارنظام بیرون شهر اردو زده بود وگمان میکردکه قشون »
« ایران بعد از عبور ازخیبر ، در دربندها مدتی معطل خواهد شد. چون خبر رسیدن قوای سریع السیر نادرشاه‌را »
« با سوار زیاد شنید بوحشت افتاد وجمعی ازاشخاص که به امداد او جدیداً از [لاهور] آمده بودند متفرق شدند»
« عده قلیلی بجز نوکر رکابی با ایشان ماند. ناصرخان بفوریت در مغرب شهر ، جبههٔ تشکیل‌داده با عده قلیل خود »
« شجاعانه مقاومت کرد ولی‌بالاخره شکست خوردند وناصرخان فرمانده قوااسیرشد . بعضی‌ازافاغنه‌که درسرکوههای »
« اطراف متفرق ومنتظر نتیجهٔ جنك بودند، همینکه غلبهٔ ثانوی نادر شاه افشار را شنیده آمدند واستدعای خدمت »
« نمودند، بعد از این فتح ، نادر شاه داخل شهر [پیشاور] شد و آنجا رامنصرف گردید »

۲ ــ محاربه پیشاور ــ قوای مقدم هند پس از آنکه معابر شمالی هند را بدست قوای ایران داد درشهر (پیشاور) مجددا با قوای‌جدید الورود اردوئی تشکیل داده ، برای حفظ شهر مزبور مشغول تحکیمات شد که اقلاً مدتي جلو قوای ایران را در پیشاور گرفته تا چند فوج جدید از داخله هندوستان به آنها ملحق شود و تأثیرات محاربات خونین اخیر هم قدری از خاطرات افراد محو گردد و در ضمن مراسلهٔ به ایلات شمالي‌هند نوشته واز آنها استعداد خواست

در این موقع قوای ایران از (نمازگاه) روز ۲۷ ماه شروع بتعرض مینماید و درضمن هیئتی براي قانع نمودن فراریان افاغنه که به خاك هند پناه برده ودر سر کوهها متحصن شده بودند نزد آنها فرستاد که قراری با آنها بدهد (۱۸) نادرشاه سپاهی از تمام سوار نظام تشکیل

---

(۱۸) ــ مامورین ایران با فراریان داخل مذاکره شد وآنها هم چون دیدند از صوبه داران هند امدادی نمیرسد تکالیف نادرشاه راقبول‌کردند . چهارپنجسال بودکه ازمواجب ومرسوم آنها دیناری نرسیده‌بود. مامورین‌ایران با حکم نادرشاه مبلغی بآنها نقد داد بعد جمعی از آنها داخل قشون ایران گردیدند و افاغنه دیگر که این خبر را شنیدند آنها نیز متابعت کردند ــ از تاریخ مغول اقتباس شد ــ

داده با ده عراده توپ بسرعت بطرف پیشاور حرکت نمود ولی قوای عمده یکروز بعد ازسپاه سوار بحرکت درآمد .

باین ترتیب سپاه سوار منتخب نادرشاه در ۲۹ ماه شعبان قبل‌ازظهر خودرا به نیم فرسنگی شهر پیشاور رسانید . ولی بواسطه مسافرت طولانی و فوق العاده سریع (ازمازگاه تا پیشاور) قسمت اعظم اسبها از پا درآمده مجروح شدند و خیلی از آنها هم در بین راه ماندند، توپخانه نیز درعرض راه گیر کرد. نادر شاه با عده باقیمانده تا محیط شهر رسیده فوراً حکم تهاجم راصادر نمود بموجب حکم عمومی سپاه سوار به دوازده ستون تقسیم و برای هر یك ازآنها راههای تعرضی معین گردید ونادرشاه درخط عمومی‌خیبر ــ پیشاور حرکت مینمود .

در هجوم اول قشون هند قدري پا فشاری کرد ولی در تهاجم ثانی مواضع خودرا تخلیه کرده بطرف شهر فرار کردند .

فرمانده قوای مقدم‌هند ؟ باقرارگاه‌خود اسیرشدونادر شاه‌بلادرنك‌بطرف شهرحرکت‌کرد . همینکه ستونها نزدیك بشهر شدند جمعی از محترمین به استقبال شتافته دروازه های شهر را برای ورود قشون ایران باز نمودند .

نادر شاه این‌هیئت را با کمال‌مهربانی پذیرفته وبطوریکه سابقاً‌توسط رسولان خودقول داده بودکه بهیچوجه متعرض جان‌ومال احدی نشود، بهمان عهد وفانموده اطمینان‌کامل به آنها داد .

ناصرخان فرمانده قوای مقدم هندچندروزمحبوس بود بالاخره نادرشاه اورا درجزووزرای خود معین وسرافراز گردانید .

مطالعه

چون محاربه پیشاور دروضعیات طرفین تغییری نداد لذا چندان اهمیت سوق الجیشی‌نداشت ولی از نقطه نظر روحیه و غنائم جنگي حائز کمال اهمیت بوده است .

اولا هندیها یك شهر پر ثروت و حاصلخیز را از دست دادند .

ثانیا مصمم بودند که تا رسیدن قوای عمده از « دهلي » یك محاربه قطعی اقدام‌نموده جلولهاجات ایرانیان را بگیرند . ولی‌نه تنها موفق نشدند بلکه قوای مقدم آنهابکلی از بین رفت؛ یعني‌یك قسمت عمده بافرمانده خودشان اسیر ، قسمتی دیگر محوشدند و یك عده هم باطراف فراری ومتفرق گردیدند .

علیهذا بعد از محاربه پیشاور که با عملیات سریع و حملات ناگهانی صورت گرفته بود اثری از قوای مقدم هند باقی نماند و کلیه آذوقه و مهمات آنها بدست ایرانیان افتاد.

پیشروی بطرف لاهور – پس از آنکه راههای هندوستان مرکزی در جهت شمال باز شد، فرماندهی قوای ایران درصدد بر آمد که نزدیکترین راه ورودی بهندوستان را از روی رودخانه «سند» بدست بیاورد، لیکن مسئله آذوقه و تدارک دواب افکار فرماندهان جزء را بی اندازه مشغول میساخت. چه اگر دفعه ثانی نادرشاه نخواهد بیك محل مستحکم مثل سابق با سوار نظام هجوم نماید و همچنین مسافت زیادی را در عرض دو سه روز طی کند قطعاً در اردو اسب سالم نخواهد ماند. لهذا قبلا این نکته را پیش بینی کرده درفکر آن بودند که آذوقه دواب را پیش از پیش تهیه نموده در آتیه به اشکالاتي بر نخورند. بناءً علیه در شهر پیشاور تدارك آذوقه دواب و قشون از هر اقدامی برای نادر شاه افشار مهم و مقدم تر بود و بدینجهت معظم له تمام مساعی خودرا متوجه این امر ساخت. فرمانده قواي مقدم هند، ناصرخان، هرمقدار جنسي که مهیا و حاضر داشت بعد از اسارت تحویل انباردارقشون ایران کرد ولی این مقدار آذوقه برای قشون آنقدرها کافی نبود. لهذا مأمورین مخصوصی به ناحیه شمال فرستاده شدند که در هر نقطه جلگه «پنجاب» جنس بدست بیاورند فوراً به پیشاور حمل نمایند.

در عرض یك هفته در پیشاور آذوقه یك ماهه قشون تهیه شد ولي حمل تمام این جنسها به همراه اردو بواسطه نقصان وسائل نقلیه مشکل و بلکه غیر ممکن بود. لهذا نادر شاه چنین صلاح دید در خود شهر «پیشاور» یك مرکز عمده جهت ذخیره اجناس تشکیل دهد تا بتوان بعدها آذوقه قشون را ازهمین محل بسهولت حمل نمود و اگر در عملیات پیشروی موانعی پیش آمد کنند و بالاجبار عقب نشینی اختیار نمایند در این نقطه مهم مواصلاتی آذوقه کافي داشته باشند.

ضمناً فرمانده کل قوای ایران در نظر گرفت یك مرکز ذخیره و دو انبار قورخانه در آنسمت رودخانه «سند» تأسیس نماید زیرا نقدری در آن صفحات محصول فراوان بود که جمع‌آوری آن در مرکز چندان اشکالی نداشت و ثانیاً برای ضبط شهرهای هندوستان قورخانه زیادي لازم بود، بالخاصه «لاهور» که درروی خط سوق الجیشی پایتخت هند واقع و خیلی اهمیت داشت. بنا براین مأمورین ودستجات نقلیه مناسبی براي انجام این امر معین گردید.

الف – موقعیت قوای هند

پس از آنکه قوای مقدم هند ازین رفت، دربین قوای ایران وهند یك مسافت بزرگی پیدا شد یعنی ایرانیان در شهر پیشاور و هندیها از لاهور تادهلی در روی خط سوق الجیشي متفرق بودند و رودخانه مهم « سند » هم دربین متخاصمین خط فاصل طبیعي بود.

دولت هند قوائی را که در «لاهور» تمرکزداده بود، بیش از هفت هزار نفر نبود. هندیها برای حفظ تمرکز قشون زیاد مجبور بودند که اولاً از تعرضات سپاه سوار نظام جلوگیری کنند وثانیاً حتی الامکان از عبور قشون ایران ازرودخانه « سند » ممانعت نمایند. ذکریا خان فرمانده قوای مقیم (لاهور) برای این مقصود ازقوای موجوده خود دو ستون کوچك تشکیل داد.

یکی مرکب از هزار نفر پیاده ودو عراده توپ درآخر ماه دسامبر بخط (اتك ــ گلرود) اعزام و مأمور شد که در صورت عبور قوای ایران از آنها جلوگیری نماید.

دیگری مرکب بود از پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ در ساحل شرقی رود خانه «سند» در نزدیکی « ماردان » توقف نماید و از عبور قشون ایران از رودخانه سند ممانعت بعمل آورده تا دستجاتیکه از ایالت « پنجاب » خواهند آمد تقویت یافته متحداً نگذارند قوای ایران از آن راه داخل خود هند گردد.

ذکریا خان فرمانده قوای لاهور بطوری که لازم بود شهر را مستحکم کرده و شخصاً در بیرون شهر سنگر بسته واظهاراشتیاق بدفع دشمن مینمود.

قوای سوم هند در « شاه جهان آباد » استقرار داشت و عمده قوا هم تازه از پایتخت بطرف صحرای « کرنال » حرکت کرده بود

ب – عبور از روی رودخانه « سند »

موقعیکه قوای ایران در پیشاور مشغول استراحت بود، نادر شاه توسط سوار نظام اراضی بین رود سند و پیشاور را اشغال و تا معبر رودخانه دستجات مخصوصي روانه کرده در طرف غربی آن نقاط مهم را قبلاً ضبط و قراولهای زیادي استقرار داده بود

روز ۲۵ نوامبر قشون ایران با دوستون بزرك از « پیشاور » حرکت نمود ولی دومانع مهم برای قوا در پیش بود ـ یکی عبور ازرودخانه سند و دیگری وجودقلعه « اتك » که درساحل شرقی

... جنوب جلوه غربی هندوستان را مشخص و درین ...
تشکیل میتمود که عبور از آن بس مشکل بود .
... طبیعی
... خروج از دره های شمالی پنجاب داخل جلگه جنوبی ولایت پنجاب
... قسمت بسیار سریع میگردد . خط سیر آن اغلب دراراضی دُس وشن راوان ...
... در خط سیر سوق الجیشی (پیشاور ـ لاهور) در بعضی نقاط به دوهزار متر بالغ میگ...
و در حقیقت برای عبور قشون مانع بزرگی محسوب و طبعاً یك خط مدافعه مستحکم را تشک...
میدهد . بهمین ملاحظه ازقدیم الایام در حدود معبر خط سوق الجیشی قلعه محکمی بر...
قطعه سنگی بزرك در ساحل شرقی رودخانه ساخته شده که ازچهارطرف محصور بدیوار وخند...
عمیق است و در چهار ضلع قلعه چهار برج ساخته شده است .
قلعه «اتك» اهمیتش ازاین رو است که درفراز کوه سختی ساخته شده ومشرف بتمام خطو...
آن محل میباشد و حرکت بطرف آن بملاحظه سراشیبی فوق العاده کوه ، خیلی سخت و در مو...
محاصره آن مقاومتش طولانی خواهد بود . ولی عدهٔ زیادی نمیتوان در آنجا استقرار داد وهمچ...
ظرفیت آب انبار هائی که ساخته شده است برای محاصره طولانی کفایت نمیکند
روز ۲۶ ماه هر دو ستون بساحل عربی رسیدند .
دستجات اکتشافیون مأمور سواحل رود خانه اطلاع دادند که در آن طرف ساحل در دو
نقطه قوای هند استقرار دارند . یکی درقلعه « اتك » دیگری در حدود « ماردان » .
چون مقصود نادر شاه عبور از رودخانه درحدود نقطه اولی بود ، لهذا درمقابل نقطه شمالی
عدهٔ ازسوار نظام را بهمراهی چهارعراده توپ برای نمایش فرستاده ، عمده قوا را در مقابل « اتك »
مجتمع ساخت .
نادرشاه قبل ازشروع به بمباردمان قلعه یکنفررا بجانب قلعه روانه داشت که ساخلو اعلا...
نماید اگر آنها بدون مقاومت ازسنگرهای قلعه خارج شوند همان معاملهٔ که باملاد و عشایر افغانستا...
شده است با آنها نیز بعمل خواهد آمد فرمانده قلعه که ازدور اردوی ایران را میدید
جواب اظهار اطاعت نموده حتی برای ساختن پل هم همه قسم اظهار مساعدت نمود .
قوای ایران بتدریج درساحل عربی رود سند جمع شدند. نادرشاه در شمال قلعه برای قشو...

زورق‌هائي تهیه نموده مشغول تدارك لوازمات پل شد. در نتیجه تحقیقات از اهالی محل معلوم گردید که دردره «کابل رود» جنگلهائي وجود دارد که اشجارآنها بمصرف اینکار میخورد، ولی حمل اشجار به این نقطه مشکل خواهد بود. عجالتاً بهترین مصالح براي کشیدن پل همان قایقهای محلی است که اهالي جلگه سند آنهارا [جیری] مینامند ووسیله ایاب و ذهاب سکنه اطراف رودخانه محسوب میشود. لذا قرار براین شد که با همین قایقها درنقطه «کابل دره» که در آنجا عرض رود تا اندازهٔ تنك تر و سنگلاخ است پل بر پا نمایند.

قبل‌ازشروع بعملیات از قایقهاي رود سند یکدسته پل‌ساز تشکیل شد که عده کارگران و حفاران نیز جزء آن گردیدند.

همین که دستجات شروع بکار نمودند یك اشکال بسیار مهمی پیش آمد که انجام کار را بعهده تعویق انداخت و آن این بود که برای بستن قایقها بیکدیگر در نقلیه قشون بحد مکفی طناب‌وجود نداشت و چیز دیگری که بتوان بجاي طناب استعمال کرد موجود نبود لهذا مصمم شدند از اینکار صرف نظر کنند و قشون را با قایقهای موجوده به آن سمت [ساحل شرقی] برسانند. ولی حمل یکصد هزار نفر قشون با عراده ها و قورخانه وکلیه لوازمات جنگی و غیره... بسیار کار مشکلی بود و تقریباً یازده روزوقت لازم داشت عموم صاحب‌منصبان بفکر علاج بر آمدند و عاقبت خود نادرشاه چاره‌کاررا پیدا کرد [۱۹] یعنی حکم داد از تنگهای دواب استفاده نمایند و همچنین یال و دم تمام اسبها را بریده طناب درست کنند، این حکم بلادرنك بموقع اجرا گذاشته شد و باسرع وقت یك مقدار معتنابهی طناب که بمراتب محکمتر از طناب پنبه بود تهیه گردید.

فردای آن روزپلی بطول هزار قدم در روی رود سند کشیده شده بود.

روز ۲۹ ماه نوامبر ۱۷۳۸ افواج بدون اینکه از ساحل شرقی باموانعی مصادف شوند، شروع به عبور نمودند.

برای اول دسامبر عموم قوا از ساحل غربی بساحل شرقی حمل گردید ولی عبوربنه ها و قافله های‌عقب چند روز تعویق افتاد.

چون درطرف مقابل ساحل از دشمن کسی نبود لهذا عملیات عبوری‌بدون مانع انجام گرفت.

فرمانده قوای لاهور مطمئن بود که قواي مقیم «انك» قطعاً ازقوای ایران جلوگیری‌خواهدنمود

---

[۱۹] — از کتاب ژنرال کیشمیش اوف اقتباس گردید — مؤلف

اتك راه لاهور برای ایرانیان باز شد (۲۰)

روز ۲ ماه دسامبر ۱۷۳۸ میلادی قوای ایران ... جناح‌های ... با دوستون شروع بحرکت نمود.

نادرشاه بدون فوت وقت سپاه سوار نظام را مثل ... ساخته با بهترین آرایش جنگی با یك مقدمة الجیش قوي بسمت شهر «لاهور» حرکت ... سپاه سوار نظام نیز دستور داد که راجع بچگونگی قوا و محل اردوهای خصم اطلاعات جامعی ... مطالب را راپورت دهد و همچنین در خصوص جاده های ایالت «پنجاب» و کنار های رود خانهائیکه به رود سند ملحق میشوند تحقیقات کاملی بنماید.

در آن روز استعداد کل قوا بیش از دو فرسخ راه نه پیموده، موقع ظهر در کنار «کیرك» اردو زد – ولی سپاه سواران روز تاغروب راه پیمائی کرده در طرفین خط سوق الجیشي همه گونه اکتشافات و تحقیقات بعمل آورده شب را دربیابان سر بردند.

روز ۲ ماه چون از سپاه سوار راپرت نرسید لهذا استعداد کل در اردوگاه «کیرك» ماند روز ... استعداد کل پس از پنج فرسنگ عملیات پیشروی درطرفین خط عمومی اردوگاه تشکیل داده دو روز استراحت نمود

---

(۲۰) — اوضاع هندوستان: وصول خبر عبور قوای ایران از رود عظیم «سند» وحشت و اضطراب بزرگی در شهر «دهلی» ایجاد نمود، از استماع این خبر محمد شاه پادشاه هندوستان فوراً هیئت مشاورة از امراء و بزرگان و سران سپاه دولت تشکیل و عقیده این هیئت بر این شد که ورود قشون ایران به این طرف رود «سند» برای ولایت «پنجاب» خطر عظیمی خواهد داشت و اگر این ایالت به تصرف دشمن در آید مملکت هندوستان قطعاً از دست میرود بنا بر این باید فوراً و بدون فوت وقت برای جلوگیری از این واقعه قشون معظمی تهیه و تجهیز نمود ولی اوضاع سواحل جنوبی هندوستان بواسطه مسلط شدن اروپائی ها قریب انقلاب بود، اغلب فرمانفرمای ولایات ساحلی نسبت به دولت مرکزی اظهار مخالفت نموده به مالیات مرکزی نمی پرداختند و به سربازبرای حمایت نمیفرستادند. گذشته از این قحطی در این کوه مسائل را شدت میداد. با اینکه تهیه قشون درهر نقطه هندوستان از سابق کرارا مطرح مذاکره شده، بود معهذا باوصعت هرج ومرج دربار دهلی احدی در صدد اقدام بر نمی آمد هجوم قوای معظم ایران از طرف شمال غرب تمام هندوستان را به هیجان انداخته، جمع آوری قوا به هیچ قسم صورت نگرفت

دررأی نتیجه شورای دولتی قرار شد مجدداً به تمام حکام ولایات حکمی صادرشود که هندوستان ازهرحیث در خطر است لذا با تمام قوای خود برای حفظ مملکت حاضر شوند

از تاریخ ژنرال کشمیش اوف اقتباس گردید — مؤلف

روز ۵ ماه بعداز ظهر اخباری ازسپاه سوار رسید و از راپورتی که برای فرمانده کل قوای ایران فرستاده بودند معلوم شد جاده های طرف شرقی پنجاب عموماً قابل عبورومرور وهیچ مانعی برای حرکت ستونهاي استعداد کل بیست ضمناً رودهای عمده هم عموماً داراي گدار وقابل عبور میباشند فقط درروی رودخانه « جناب » و « راوی » باید پل کشیده شود ـ اما راجع بقوای دشمن آنچه تحقیق شده حاکی ازاینست که یك عده قشون هند درقلعه خرابه « کاخه » که درکنار رود خانه « جلام » است استقراردارد ولی تعداد آن بطور صحیح معلوم نیست .

فرمانده کل قوای ایران پس از اطلاع از وضعیات اراضی پنجاب و قواي مقدم لاهور استعداد کل قوارا به سه ستون که جناحین و مرکز باشد حرکت داد و پستهاي سیاری در بین سپاه سوار و ستونهای مذکور قرار داد که همیشه استعداد کل با سپاه سوار نظام جلو ارتباط داشته باشد .

بدین ترتیب عملیات پیشروی قوای ایران دربین « سند ـ لاهور » تا رودخانه « جلام » بدون حادثه انجام گرفت وروز ۱۶ دسامبر پیشقراولان سپاه سوار نظام به شمال غربی رودخانه « جلام » رسیدند .

ج ـ موقعیت قوای لاهور

در موقعیکه قوای ایران بطرف لاهور پیشرفت مینمود، ذکریاخان قوای خودرا مجدداً به دو قسمت منقسم ساخته از شهر لاهور حرکت نمود و راپورت ذیل را هم به پایتخت فرستاد .

«نادر شاه باسپاه عظیم به این محل رسیده مشغول عبور از رودخانه های پنجاب می باشد وتمام زمین دارها به اوملحق شدند ومن با قوای قلیلی که دارم حاضرم کمك بکنم ، شما بایددرفرستادن مددخیلی تعجیل کنید والا چاره ازدست میرود »

فرمانده قوای لاهور ذکریا

ذکریا خان باده هزارنفر بطرف رودخانه « جلام » حرکت نموده ، قلندرخان را هم بطرف « ... آباد » اعزام داشت ، ودر خود لاهور هم پنجهزار نفر ماندند که بعد ها ازپشت سر برسند: مقصود ذکریا خان این بوده است که در رودخانه های پنجاب حتی المقدور از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نماید تدریجاً آثار عقب سر قوا باو برسد ، لهذا برای این مقصود در طرف راست قوای

قلندر خان در طرف چپ قواي خود ذکریا خان سواحل و گدار هـای رودخانه «جلام ، راوی» و «گندك » را محافظت مینمودند.

ولی قوای آنها طوري در بین رود خانه ها تقسیم شده بود که هرگز نمیتوانستند در موقع لزوم بکمك همدیگر برسند

خلاصه آرایش جنگی آنها برای قوای ایران هیچ مانعی پیش نمي آورد، با وجود اینکه در حدود گدارها قلاع مخصوص هم وجود داشت که ممکن بود از آنها کاملاً استفاده نمایند .

قلعه « کاخه سر » در سر راه سوق الجیشي بالنسبه مهم بود وبرحسب ظاهر مستحکم بنظر می آمد .

د- عبور از رودخانه جلام وحمله بلاهور

روز ۱۷ دسامبر قوای ایران در ساحل راست رودخانه جلام برای تعرض حاضر شده و در ساحل رودخانه مذکور جبهه اي بطول یك فرسنك تشکیل دادند

قلعه کاخه‌سر ازطرف هندیها مستحکم شده بود ، گدارعمومی رودخانه جلام هم خیلی نزدیك بقلعه کاخه سر وتحت تأثیر آتش توپخانه دشمن واقع شده بود ، دراین موقع اهالی محل گدار دیگری را دریك فرسنگی بالا دست قلعه کاخه سر به ایرانیان نشان دادند که مانعي براي عبورقشون نداشت و در آن محل از قوه اي هندی هم اثری نبود .

نادر شاه براي فریب هندیها در ظاهر چنین جلوه داد که میخواهد از همین گدار نزدیکی قلعه عبور نماید ولی شبانه قوای خود را بر خلاف جریان رود حرکت داده از معبر بالا دست قلعه بدون زحمت عبورنمود . دراین موقع توپچی‌هابرای‌اغفال، در سمت جنوب قلعه را مورد شلیك قرار داده‌نظر هندیهارا بطرف خود جلب مینمودند .

قوای دوم پس از عبور از این گدار، از تلال شمال بطرف قلعه شروع بتعرض نمودند و در آنجا معلوم شدکه بنای قلعه چندان استحکامی ندارد زیرا حصار اطراف آن ازالوار چوبی ساخته شده و فقط روي چوبهارا گل اندود نموده اند . مخصوصاً در موقع تعرض حقیقت این امر کاملاً مکشوف شد و عده سربازان ایرانی [illegible] رد وحورد آنجارا خاتمه نمودند و قلعه بتصرف قواي ایران در آمد .

پس از تصرف قلعه « کاخه سر »واطراف‌آن‌یك فوج از سپاه سوار بطرف رود خانه «لاری»

اعزام شد، بعداز پنجساعت اکتشافات عمیقه، از فوج مزبور راپرتی بمضمون ذیل بقرارگاه کل فرماندهی رسید: (« حکام وصوبه داران پنجاب قریب پنجهزار نفر سوار را »
« که بنابود بشهر لاهورحرکت بدهند، بعدازعبور قوای ایران از « جلام » از »
« جاده عمومی منحرف نموده ودرسمت شرقی حرکت میدهند و هیچ جای شك »
« نیست که قصد آنها براین است که خط ارتباط اردورا ازپشت سر قطع نمایند »

فرمانده پیشتازان اول حسینقلی (۱)

بوصول این راپورت نادرشاه فرماندهی سپاه سوارنظام را شخصاً بعهده گرفته وبسرعت بطرف محل مذکور درورابرت حرکت نمود.

در اینموقع افواج سوار با دستجات هندی مصادف شده و مشغول محاربه بودند که نادر شاه غفلتاً به کمك آنهارسیده بالاتفاق بسرعت به آن محل هجوم آوردند و درنتیجه این تهاجم شدیدو ناگهانی افراد غیر نظامی هند بدون مقاومت رو بهزیمت گذاشتند و سواران خاصه نادرشاه آنها را تعقیب و تکاپو تارومارنمودند به این ترتیب از ورود قوای جدید بهشهر (لاهور) جلوگیری شد.

نادرشاه پس از مصادمه سریع، سپاه سوارنظام را مجدداً بطرف قلعه « کاخه سر » مراجعت داد وروز بعد یك عده ملفی را بعنوان ساخلو درحدود قلعه « کاخه سر » گذاشت که معابر وخط رجعت عموم قوارا درآن سمت حفظ نمایند. چون ممکن بود قوای منهزم هندیها از اطراف جمع شده مجدداً بخط سوق الجیشی عمومی هند و ایران حمله کنند، پس از اتخاذ این اقدامات همین روز موقع ظهر تمام قوا بحالت ستونی بطرف « چناب » رهسپار گردید

روز ۱۹ دسامبر سر ستونها به جلگه « یمین آباد » رسیدند

در اینموقع قوای « قاندرحان » در شمال غربی « یمین آباد » خود آرائی نموده برای حفظ کنارها درساحل یسار رودخانه عده های قراول و مستحفظ مخصوص مأمور نموده بودند که از حرکات هندیان خبردار باشند.



نادر دو روز قبل از اینکه بحوضهٔ رودخانه « چناب » برسد پانصد سوار را در یك محوطه

---

۱ — اقتباس از تاریخ دکن ج ـ ۲ ق

وسیعی برای اکتشاف خوضهٔ مذکور بجلو فرستاده بودند. اکتشافیون سپاه مزبور تا غروب روز نوزدهم ماه مشغول تجسس اطراف بودند بالاخره در نتیجه اکتشافات دقیق عموم دستجات معلوم گردید که عده قلندرخان در دونقطه ساحل چپ رود خانه « چناب » مشغول اتخاذ موضع توپخانه میباشند.

روز ۲۰ ماه پس از حاصل کردن این اطلاعات، نادرشاه از دست بالای یمین‌آباد با یك‌عده مختصر بگدار زد و چون این محل خالی ازخصم بود بلامانع عبور و ساحل چپ رودخانه رادرآن حدود بتصرف درآورد ولی آن روز درهمان نقطه توقف نموده روز بعد ازگدار جنوبی استعدادکل قوا را برای عبور از رودخانه « چناب » مأمور نمود. درهمان شب‌عموم قوا مشغول‌استقرار توپخانه در ساحل راست رودخانه بودند.

روز بعد یعنی بیست و یکم ماه استعداد کل از روبروی هندوها شروع به بمباردمان نمود و دستجات شمالی ایرانیان که روز پیش از گدار بالادست عبور نموده و در آن نقطه متوقف بودند بنوبه خود شروع بتعرض نموده بطرف جنوب پیش میرفتند و دستجات سیار قلندر خان را بعقب میراندند.

نادرشاه بواسطه تشکیلات اکتشافی خیلی مرتب وجاسوسهای خود، مطلع‌شده‌بود‌که‌امروز هندیها نمیتوانند سر راه قوای [illegible] روبرو مقابل آنهامقاومت شدیدبنمایند وقوائی که‌درنزدیکی رودخانه [illegible] باکمال احتیاط و از روی فکر کارمیکرد و برای جلب استعداد کل [illegible] چندان عجله نداشت.فقط یك‌عده دوهزارنفری ازاستعداد کل در تحت فرماندهی [illegible] عبور نموده و با دستجات اولی مأمور تعقیب قوای قلندرخان گردید.

امیر خان که یکی از اتباع ناصر خان و حالیه در خدمت نادر شاه بود با جمعیت خود وسه فوج از [illegible] ایران شبانه بقریه « بمن آباد » حمله برد. در ضمن مصادمه قلندرخان کشته شد و امیرخان قریه‌را تصرف گردید.

روز بعد صبح زود بقیه سپاه سوار بفوریت خودرا به قریه « یمین آباد » رساند که آنجا را بطور محکم نگاهدارد.

پس بعد از این مغلوبیت دستجات متفرق هند بطرف قوای ذکریا خان عقب نشینی کرده [illegible] یك فوج از سپاه سوار بطرف رود خانه «لاری»

ودر حدود رودخانه «راوی» به اوملحق شدند.

روز ۲۲ ماه سپاه سوارنظام ایران باعده امیرخان مأمور شدندکه بطرف رودخانه«راوی» بطور تأنی حرکت نمایند.

استعداد کل امروز به یمین آباد رسیده در آنحدود اردوگاه بزرگی تشکیل وقراولهای زیادی در اطراف اردوگاه استقرار داد.

موقع غروب رابورتهای متعددی از عده امیر خان و حاجي خان بیك به قرارگاه کل رسید، تمام اطلاعات واصله مسعر براین بود که دشمن قوای معظمی دراین محل تمرکز داده وکلیه مواضع مقدم خودرا مستحکم نموده است.

نادرشاه ازمفاداین رابورت با خیلی [illegible] نموده [illegible] خیال میکرد که ممکن است کلیه قوای هند درحدود «راوی» و [illegible] لاهور [illegible] اطلاعات جاسوسان این خیال بکلی برخلاف بود زیرا جاسوسان قرارگاه کل قوای هندرا درخود پایتخت (دهلی) نشان میدادند بنابراین نادرشاه دقتی دتفکر [illegible] تصمیم [illegible] نتوانست اتخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً یك فوج [illegible] اطلاعات صحیحی بدست [illegible].

حاجي [illegible] رودخانه «راوی» رفته هنوز [illegible] اول را اسرح ذیل قرارگاه کل تقدیم نمود:

«تا رودخانه راوی رفته [illegible] و فقط توانسته ام این خبررا به اردو برسانم که سواحل رودخانه راوي تماماً سست و حالت مردابی دارد و عبور ازاین خط مشکل خواهد بود، امشب یك عده را مأمور نموده ام که از رودخانه عبور نموده در آنطرف تحقیقاتی بعمل آورند، فردا حقیقت امر معلوم خواهد شد امضاء حاجی خان بیك»

روز بعد رابورت دیگری از مأمورین اکتشاف به قرارگاه عمومی رسید و حاکی از این بود که ذکریا خان فرمانده قوای لاهور یکعده دو هزار نفری بعنوان پیش قراول فرستاده و در ساحل چپ رودخانه «راوی» مشغول حراست گدار عمده سوق الجیشی میباشند و ضمناً درآنجا استحکاماتی هم بنا نموده اند که مجهز به توپ است. خود ذکریا خان در بین لاهور و راوی قراردارد.

وصول این راپورت باعث شد که نادرشاه درموقع حرکت بدانصوب احتیاط را از دست ندهد زیرا اولاً ذکریاخان به اتکاء دردست داشتن گدار عمده سوق‌الجیشی میتوانست از هر نقطه بالادست این محل مستحکم سوارنظام خودرا به آب زده به عقب سر و جناح استعداد کل هجوم کند. ثانیاچون درراپرتهای راجع به عموم قوای هند و محمد شاه چیزی قید نشده‌بود لهذا تردید داشت که آیا قوای هند در لاهور تاچه اندازه تقویت شده است . . . ؟

ه — محاربه لاهور — چنانکه ملاحظه نمودیم درطول یك ماه فرمانده کل قوای ایران در صحنه « پنجاب » بواسطه زیادی رودخانه ها که هریکی از آنها یك مانع طبیعی و مستحکم بود هنوز نتیجه قطعی را بدست نیاورده و اگر چه در مصادمات « جلام » و « چناب » فاتح بودند ولی قشون هند هنوز در میدان محاربه وسیعی مصاف نداده‌بود که وضعیت کاملاً روشن شود لهذا ممکن بود در « لاهور » ویا بعداز لاهور عموم قوای خودرا تمرکز و یك محاربه مهمی را قبول نماید. دراینموقع نادرشاه بخیال افتاد که نتیجه قطعی را در حدود « لاهور » بدست آورد لهذا قوای خودراجداً مرتب نموده از روی نقشه مخصوص بطرف لاهور شروع بتعرض نمود .

نادرشاه درحوضه رودخانه «راوی» سه دسته قشون‌راکه هر یك دارای ده‌فوج بودند برای حمله اولیه قرار داده بود و بعدازاینکه این سه دسته شروع بحمله نمودند، سپاه سوارنظام اولاً از طرف شمال هندیها را بطرف « لاهور» رانده وبعداز سمت چپ یعنی ازطرف جنوب (لاهور) راه فرار آنهارا بسته نابودشان نماید .

روز ۸ ماه تمام قوا درساحل « راوی » صف آرائی نموده مشغول نمایش بودند، برای اغفال دشمن فرمانده توپخانه درنقاط انتخاب شده مشغول بعضی نمایشات نظامی‌شد مثل اینکه قوامیخواهد به استحکامات ساحل چپ رود خانه تعرض نماید. همینکه دشمن از این حیث مطمئن شد نادرشاه در خفیه عدهٔ ازسوارورا بر خلاف جریان رود حرکت داد که محل مناسبي را براى انداختن پل تجسس نمایند اما خود او براي سرگرم کردن هندیها تا غروب آن روز مشغول تیراندازی بیهوده و حرکت دادن ستونها از یك نقطه به نقطهٔ دیگربود . اوایل شب موقعی که ظلمت افق را فراگرفت نادرشاه قوای مرکزی را دربرابر خصم گذاشته با سایر پیادگان بطرف نقطهٔ که برای کشیدن پل پیدا کرده بودند حرکت نمود و همینکه به نقطه مزبور رسید ملتفت شد که کشیدن پل ثابت

اعث معطلی خواهد بود لهذا امرداد یك پل موقتی کشیدند. پس از کشیدن پل اول فرمانده سپاه سوار حاجی خان بیك با دستجات خود از روی آن عبور کرد سپس نادرشاه با یك فوج پیاده و سدنفر ازعده کشیك خانه از پل گذشت و یك قسمت سوار هائی که میتوانستند از توی آب عبور مایند به آب زدند.

بعد از اینکه سپاه سوار وفوج پیاده و عدهٔ قرارگاه کل بساحل چپ رود خانه رسیده و جمع شدند مطابق نقشه پیش سپاه سوار شروع به تعرض کرد و فوج پیاده هم با عده کشیك خانه بطرف قلعه تعرض نمود.

صبح زود سپاه سوارخودرا بخط سوق‌الجیشی لاهور رسانده بلادرنك شروع بتهاجم مینماید و فوج پیاده هم قبل از طلوع آفتاب قلعه را محاصره نمود، جمعی از قلعه گیان که قبلاً آنجا را تخلیه نموده بودند دربین راه به عده کشیك خانه مصادف و بقتل رسیدند.

فوج پیاده بزودی قلعه را بتصرف در آورد و دو عراده توپ با دویست نفر سرباز اسیر کرد.

سپاه سوار از طرف شمال پشت سر قوای مقیم ساحل رود خانه «راوی» را تهدید نموده نمیگذاشت که هندیها بطرف لاهور عقب بنشینند در این بین ازطرف لاهور قریب دوفوج پیاده خواست بکمك هندیها بیاید ولی سپاه سوار مانع شده آنهارا مجبور بعقب نشینی کرد.

قوای مقدم‌هندیها پس ازدوساعت مقاومت شدید تسلیم شدند، دراینموقع نادرشاه بمیدان محاربه رسیده‌بدون فوت وقت سواران وپیادگان را بطرف لاهورحرکت‌میدهد. مقصودمعظم‌الیه این بودکه غفلتاً درحدود لاهور با اصل قوای عمده ذکریا خان تلاقی نموده ضربت ناگهانی بهآنها وارد آورد، دراین روز نادرشاه هر فوجی‌راکه ازآنطرف رودخانه میرسید بفوریت درروی خط عمومی (لاهور ــ راوی) حرکت میداد وشب قرارگاه‌کل هم حرکت کرد. فردای‌آنروز عموم قوا به یك فرسخي شهر لاهور رسیده با یك جبهه متناسبي بطرف شهر تعرض میکردند. حوالی ظهر قوای ایران (سواران درجلو و در جناحین و پیاده نظام دروسط) بحدود باغات شهر لاهور رسید و خود نادرشاه در باغ «شعله ماه» که از بناهای معروف شاه جهان بود منزل کرده بفوریت‌حکم صادرنمود که‌عده‌های پیاده با آرایش جنگی درمحل‌های حالیه‌توقف نمایند وسپاه سوار بفوریت از جنوب شهر دور زده راه دهلی را بروی شهر مسدود نماید.

سمت جنوب شرقي مسدود گشت .

در اینموقع از طرف قرارگاه کل قشون تحقیقاتي بعمل آمد که درلاهور فقط قواي ذكريا خان وجود دارد ، پادشاه هند و قواي آن هنوز از صحراي « كرنال » بهآنجا نرسيده اند. پس از اين خبر نادرشاه مسرورشده سپاه سوار را با پنج فوج پياده از راه جنوب شهر تقويت داده و هجوم بطرف شهررا هم براى روز بعد موكول كرد .

***

شهر لاهور در يك زمين صاف و هموار واقعشده است ، ابتداي شهر از پشت باغاتشروع ميشود ، حصار آجرى بطول تقريبي يك فرسنك و نيم از چهار طرف شهر را احاطه نموده است . حصار مزبور داراي برجهاي متعددى است كه بتمام گذار هاي رود خانه لاهور مشرف ميباشد. ارك در سمت شمال غربی در كنار جادهٔ عمومی واقع شده و فاصله شهر تا رود خانه تقريباً يك ميدان است .

شهر لاهور درسمت شمال غربی هندوستان مركز عمده تجارت بوده و صنعت در آنجا رواج كامل [illegible] محصولات عمده اين محل برنج و گندم و نيل و ميوه جات است . گرچه در اين ايالت جنگل وجود ندارد ولی مراتع سبز وخرم است وبهمين جهت اهالى احشام واغنام زيادى تربيت و نگاهداري [illegible] آب وهواي شهرلاهورازساير نقاط مركزيهندوستان بهتر وفصولچهارگانه آن معتدل محسوب ميشود . چنين شهری اگر بدست قواى ايران بيفتد براي آتيهٔ چندان خطرى نميتواند [illegible] طرف شهر دهلی در عمليات پيشروى مانعي پيش آيد ممكن است قشون را در حدود اين شهر نگاهداشت ولی وقتي اين خيال انجام پذير بود كه قلعه لاهور بتصرف در آمده باشد اما از طرفي هم تصرف قلعه لاهور بواسطه استحكامات و رود خانه بدون جنك سخت و خون ريزى [illegible] امكان پذير نبود .

در حين اينكه نادرشاه مشغول طرح ونقشه عمليات آتيه بود ازطرف فرمانده ساخلو شهر لاهور ذكريا خان ، نماينده اى بقرارگاه كل وارد شد وكاغذ ذكريا خان راكه استدعاى مهلت و متاركه جنك مينمود به نادر شاه تقديم كرد .

نادرشاه اوضاع را براي متاركه مناسب نديده رسول ذكريا خان را بلاجواب پسفرستاد

همان روز نادرشاه برای بازدید خط محاصره با قرارگاه کل بطرف حصار شهر حرکت کرد.

در سمت شمال نزدیك بساحل رودخانه محلی را برای توپخانه انتخاب نمود که تمام شهررا از آن نقطه میشد بمباردمان نمود.

روز بعد درشمال غربی شهر یکعده جمعیت بابیرقهای سفید بحضور نادرشاه آمده داخل مذاکره شدند و در نتیجه مذاکرات قرار براین شد که اگر تافردا مستحفظین قلعه تسلیم نشوند شهر باخاك یکسان خواهد شد.

این اخطار نادرشاه اسباب وحشت اهالی ومستحفظین قلعه شد وتمام صحبت آنها در اطراف فتوحات قشون ایران بود ودفاع را درمقابل قوای زیاد بی ثمر میدانستند ولی صاحبمنصبان به آنها امیدواری میدادند که امروز یافردا قوائی درتحت فرماندهی پادشاه هند به کمك آنها خواهدرسید و محاصره را مرتفع کرده آنهارا نجات خواهند داد.

آنروز به این اضطراب گذشت روز بعد باز بمباردمان شروع شد.

فرمانده قلعه لاهور از تلاش و اضطراب اهالی نمیتوانست مشغول انجام وظیفه خود بشود دراینموقع نماینده های اهالی نزد مشارالیه آمده درخواست تسلیم شدن نمودند.

فرمانده قلعه وقتیکه اوضاع قوای روحیه اهالی را در این حال دید بکلی مأیوس شد و از آنها تا ظهر مهلت خواست که مطالب آنهارا انجام دهد.

خود ذکریا خان هم بخوبی میدانست که با قوای ایران نمیتواند با این روحیه قشون واهالی مقابله نماید لذا موقع ظهر به نمایندگان شهر خبر داد که او هم با عقیده آنها همراه است.

بعداز ظهر روز ۲۵ ماه دسامبر هندیها دروازه های قلعه را برای محاصرین باز نمودند و لیگلر بیگی شهر با جمعی از محترمین محل عازم قرارگاه کل ایران شدند. عصری درباغ شعله ماه بحضور فرمانده کل قوا رسیده و کلید شهررا تقدیم داشتند (۲۱)

بعد از مذاکرات ده فوج پیاده مأمور شد که از دروازه شمال غربی داخل شهر شده قراولخانه های دولتی را تصاحب نمایند و پنج فوج سوار نیز مأمور شد از دروازه جنوب شرقی

---

(۲۱) - نادرشاه بعداز اینکه کلید شهر را دریافت کرد، ذکریا خان را با کمال عطوفت پذیرفته حکومت شهر لاهور را کماکان بمشارالیه واگذار نمود ضمنا یك اسب ممتاز با زین وبرك نفیس به او عطا فرموده ولی قرارشد اهالی شهر ونواحی اطراف یك کرور تومان بعنوان خسارت جنك بخزانه اردو تحویل نمایند.

از کتاب ژنرال کیشمیش‌اوف

وارد شهر شده ساخلوی قلعه را خلع‌سلاح نماید . ولی توپخانه وبقیه افواج پیاده ونقلیه درخطوط محاصره ماندندکه فردا برطبق حکم‌جدید رفتار نمایند .

موقع غروب تمام قراولخانه های شهر ازطرف افواج ایران اشغال شده و ساخلوي قلعه هم کاملاً اسلحه خودشان را در میدان ارك دولتی به فرمانده سپاه سوار ایران تسلیم کردند . شب سکوت عمیقي در شهر حکمفرما بود .

روزبعد نادرشاه قرارگاه کل را به شهرانتقال داده‌وباتشریفات‌کامل‌داخل‌شهرشدند(۲۲) و بفوریت قسمت محله شرقی را که سپاه سوار اشغال کرده بود به افواج پیاده واگذار کرده وسپاه سوار را بطرف مشرق حرکت دادکه ازآن طرف راه پایتخت‌هندرا دردست داشته باشند .

بعداز تصرف قلعه لاهور مجدداً در بین قوای ایران و هندوستان فاصله زیادي حاصل شد، درواقع طرفین تماس را ازدست داده بودند .

حالا میتوان تصور نمود که هندیها در شمال صحراي(کرنال) و ایرانیان درحدودلاهور متوقف و به تشکیلات و تجهیزات و جمع آوری قوا مشغول میباشند .

مسئله تأمین ازشرق و ازشمال غرب بسیارمهم بود براي این منظور سپاه سوار تادوفرسخي «کل‌رود» جلوتر حرکت‌نمودکه دربین‌قوای هند واستعدادکل‌حائل شده وتأمین قوای‌مقیم‌لاهور عهده‌دار شوند . وبراي‌اینکه خطوط عقبی قوا بیش‌ازپیش‌درتحت تأمین‌درآید ناصرخان‌بیگلربیگی سابق شهرکابل وپیشاور به سمت قلعه بیکی (اتك) منصوب گردید وحفظ وحراست خطارتباط باداخله‌مملکت‌وقشون‌بعهده مشارالیه‌واگذارویك‌عده‌هم براي‌اینکاربه اختیارناصرخان‌گذاشته شد.

دراطراف لاهور نیز ترتیبات دفاعی بعمل آمد و به بلوکات هم حکام اعزام‌گردید که آذوقه لازمه را قبل از شروع به تعرض جمع آوری نمایند

تشکیلات نقلیه قدري‌توسعه‌یافت وبادوهزارشتر، نقلیه بنه بزرگی تشکیل داده‌شدکه آذوقه یکماهه قشون را در پشت اردو بطوراحتیاط ازوسط صحرای «کرنال» بمرور بجبهه برساند،

اقدام‌اخیر چنانچه بعدهامشهود خواهد شد فوق‌العاده مفید واقع گردید و حتی به اسرای هندی هم ازهمین‌بنه آذوقه‌داده شد

---

(۲۲) ـ اعیان و تجار و متنفذین لاهور بحضور ایشان مشرف شدند . فخرالدین خان حاکم سابق ایالت‌مهم کشمیر که هندی بود بواسطهٔ خدمت اهالی آنجابه لاهور آمده انتظارقشون ایران را داشت نیز بحضورنادرشاه شرفیابی حاصل کرد ومجدداً بسمت حکمرانی به ایالت کشمیر روانه شد . [از تاریخ جهانگشای نادری]

فصل پنجم
محاربه (کرنال)

۱ - موقعیت و خاتمه عقب نشینی هندیها ،

سقوط قلعه (لاهور) به عقب نشینی هسای قشون هند خاتمـه داد ، زیرا قشون ایران در روی خطوط سوق الجیشی هندوستان آنچه قلاع نظامی وجود داشت بتصرف در آورده بود ، دیگر پناهگـاهی در پشت سر باقی نمانده ، پایتخت هندوستان بخطر افتاد ، بنا بر این صحرای « کرنال » برای آخرین دفعه میدان نبرد انتخاب شد کـه قشون هند در انجـا جبهه بزرگی تشکیل داده ، از تهاجمات ایرانیان بطرف شهر (دهلی) جلوگیری نمایند .

دردوازدهم شهر ذی‌القعده قشون‌محمدشاه درصحرای (کرنال) تمرکزیافته وازطرف قشون خطوط دفاعی و اردوگـاه های مهم بر پا شده بود و در اردوگـاه قریب چهار فرسخ بود کـه سمت شمال ومغرب را سنگر بسته، در سنگر ها پانصد عراده توپ متعلق به پادشاه و امراء اتخاذ موضع نموده بودند . در مرکز سراپردهٔ (۲۳) پادشاه بود درمقابل آن سنگر های نظام الملك صدر اعظم هند و از وزرا نیز سعیدالدین خان بود و در آن سنگـر هـا توپخانه مخصوص پادشاه را با لوازم آن استقرار داده بودند .

در جناح راست‌جبهه ، قسمت‌های خان دوران ـ مظفر خان ـ علی‌حمید خان ـ میرقلی‌خان شهداد خان و خان زمانخان بودند

---

(۲۳) قرارگاه کل — مؤلف . ج : ق

در جناح چپ جبهه ؛ هم افــواج فخرالدین خــان ــ عظیم الله خان ــ جانی خان ــ سید نیاز خان بود ، (۲۴)

در پشت سر جبهه بطور احتیاط در عقب سراپردهٔ پادشاه دستجات سر بلند خــان و در پشت سر او محمد خان بن گـوش و در عقب قوای جناحین هم یعنی در پشت چادر هــای خان دوران (فـوج کبیر پارام) با داو طلبان طوایف « جات و سند » درخط دوم که بفاصله دو هزار قدم دور تر از خط اول جبهه واقع شده‌است دستجات (آ مول) و (کوطپو) استقرار داشتند

تقریباً یك منزل دور تر از جبهه (کـرنال) دستجات بهروز خـان ــ اسحق خــان ــ اصلحعلیخان و در پشت‌سر آ نها طایفه « آ مدز » قرارگرفته بودند .

هر یك از این امراء باقوای مخصوص خــود همراه بودند و تمام قشون حاضر در اردوگـاه کـرنال و اطــراف به دویست هزار نفــر سوار و پیــاده و توپچــی و (۵۰۰) عراده توپ و (۲۰۰۰) زنجیر فیل جنگی بالغ می‌شد . (۲۵)

در صورتیکه قوای ایران پس از وضع ساخلو قلاع وطرق سوق الجیشی از ۹۰۰۰۰ نفر تجاوز نمیکرد .

عموم سوار نظام را به دو قسمت تقسیم کـرده یك عده را در تحت فرماندهی (محمدخان) در جلو جناح راست قرار دادند و قسمت دیگــر را هم بطور سیار بطرف رود خانه (صد لیچ) اعزام داشتندکـه از طرز پیشروی ستونهای ایران مطلع شده قبلاً از آ نها در حدود رود خانه مذکور جلو گیری نموده بعد بتدریج سمت خط مدافعه عقب بنشینند .

۲ ــ موقعیت قشون ایران در لاهــور

قشون ایران مدت دو هفته در شهر لاهور ماند. دراین موقع فرماندهٔ کل قوا (نادر شاه) مشغول جمع آوری اطلاعات سیاسی و نظامی بود . خصوصاً دومکتوبی که جاسوسان داخلی (سی نفر قاصد مخصوص بودند که دربین نادرشاه ووزرای هند مرتباً کارمیکردند) برای معظم‌له‌فرستاده بودند استعداد و نقشه جنگی قوای هند راکاملاً شرح میداد

---

(۲۴) اقتباس از تاریخ محمد شاه تیموری .

(۲۵) ـ از تاریخ هنداقتباس‌شد .

با این ترتیب محاربه بادشمنی که از حیث عده و تجهیزات تفوق کلی داشت امری بس خطیر بنظر می آمد و بعلاوه در صورت مغلوبیت خط رجعت اطمنیان بخشی برای عقب نشینی قشون در نظر نبود. بدیهی است خصومتی که اهالی بلاد مسخره نسبت به اردوی ایران داشتند بمحض انتشار خبر شکست تمام آنها بخصوص طوائف خون ریز سنجاب و در بند ها در پشت سر قشون از هر گونه شرارت و مزاحمت دست بردار نبودند. ولی نادرشاه افشار باوجود کمی استعداد قشون چون از بر تری و تفوق خصائل سلحشوری قوای حاضرهٔ خود اطمینان و امید کامل داشت و بخوبی میدانست که قوای غیر منظم و بی انضباط هندوستان هرگز تاب مقاومت متهورانه سپاهیان فداکار و جسور او را نخواهد داشت لذا تصمیم گرفت که پس ازتأمین قطعی خطوط سوق‌الجیشي طور مدبرانه بطرف پایتخت هندوستان شروع بتعرض نماید.

در ۱۴ ژانویه ۱۷۳۹ مجلس شورای نظامی در ارك لا هور تشکیل و نادر شاه سران سپاه را مخاطب ساخته به آنها حقیقت مطلب را اظهار نمود که [آخرین تماس با قوای کل خصم در صحرای « کرنال » قریب‌الوقوع است، همان طوری که تاامروز درمحاربات فاتح وغالب‌بودید دراین میدان محاربه هم که از همه خونین تر خواهد شد باید بعون‌الله تعالی رشادت و قهرمانی خود را نشان دهید.]

در بین این مذاکرات جاسوس دوم با اطلاعات جمع تری وارد شد از قرار تقریر مشارالیه :
« خصم در صحرای (کرنال) باستحکامات جبهه خود مشغول و سواران او قدری جلو تر آمده سواحل رود خانهٔ (صد لیچ) و قریه (عظیم آباد) را هم اشغال کرده اند. »

این خبر نادرشاه را مجدداً بفکر انداخت که آیا دشمن حالت دفاعی و یا تعرضی را اتخاذ خواهد نمود.....؟

همان روز جاسوسان مجدداًبرای اکتشافات و تحقیقات انفرادی وسپاه سواربرای اکتشافات عمومی مأمور شدند

۲ — شروع حرکات تعرضی بطرف کرنال و عمل سوار نظام و آخرین تهاجمات پیاده نظام

روز پانزدهم ژانویه ۱۷۳۹ میلادی قوای ایران بـه سمت پایتخت هندوستان و سمت

صحرای (کرنال) شروع بحرکت و پس از چهار روز طی مسافت به حوضهٔ رود خانه (صدلیج) که یکی از رود خانه های مهم سنجاب محسوب است رسید. دو روز بود که سپاه سوار نظام در طول ساحل رود خانه مذکور قریب سه فرسنگ مسافت را در تحت نظر خود قرار داده و برای عبور قوا راه مناسبی را میخواستند پیدا کنند.

بواسطه نزدیکی فصل بهار طغیان رود خانه مانع عبور قشون گشت و چون وسائل برای ساختن پل موجود و مهیا نبود لهذا چهار روز اجباراً در آنجا توقف کردند، دراین چند روزه طغیان رود قدری رو به تخفیف گذاشت ولی معهذا عبور قوا از رودخانه بسهولت میسر نشده مقدار کثیری بار و بنه قشون را آب برده و یک قسمت عمده آذوقه اردو هم فاسد و خراب شد. این پیش آمد و وضعیت مشکوک و نا مساعد هندیها نادر شاه را مجبور نمود که چندی در (سر هند) توقف نماید و بیش از بیش از اوضاع دشمن مطلع گردد.

موقعیکه قوای ایران در ساحل رود خانه «صدلیج» متوقف و مشغول تدارکات بودند غفلتاً از سمت شمال قسمتهای جناح چپ اردو و سوار نظام ایران بایك هدف غیر معین هندیها داخل محاربه شد.

نادر شاه برای جلو گیری از حملات ناگهانی خصم عموم سوار نظام را بطرف شمال فرستاد و به فرمانده سپاه سوار حاجی خان بیك حکم داد که حتی الامکان از تهاجمات سواران هند جلو گیری نموده برای عبور قوای کل وقت لازمه را فراهم نماید. آن روز تاغروب سپاه مزبور باسواران هند در سمت شمال مشغول زدو خورد بود و موقع غروب آنها را مجبور کرد که ازگدار بالا دست عقب نشینند.

در این موقع قریب هفت هزار نفر پیاده نظام ایران موفق شدند که با بنه ها خود شانرا بساحل چپ رود خانه برسانند.

روز هفتم ماه عموم قوا به آن طرف رود خانه رسیده شروع بعملیات پیشروی کردند روز ۸ ماه فوریه سر ستونهای قوای ایران به (انباله) رسیده اند و همین روز سپاه سوار تا غروب راه پیمائی کرده تا به (تنه سوز) رسید.

از (تنه سوز) راه پایتخت به دو شعبه تقسیم میشود: یکی از راه عظیم آباد به صحرای کرنال میرود، دیگری مستقیما از راه (انباله) به صحرای کرنال منتهی میشود، بنا بر

این سپاه سوار مطابق دستوری که دریافت نمود با دوستون شروع بعملیات کرد.

این پیشروی با کمال کندی اجرا میشد، وضعیت دشمن تا آن ساعت غیر معین بود، کم آبی و بی‌تکلیفی افراد و صاحبمنصبان را خسته میکرد. بنابر اخبارات غیر رسمی نادرشاه احتمال میداد که دراین نقطه بااستعداد کل قوای هندروبرو خواهدشد. لهذا بارونه را در (انباله) بسرکردگی فتحعلیخان گذاشته بطور سبك بارحرکت میکرد. ضمناً بسپاه‌سوار امر داده‌بودندکه‌از پشت‌سرسپاه در طول خطوط سوق الجیشی و جلگه های طرفین بطور عمیق اکتشافات لازمه را بعمل آورند، قرارگاه کل در تعقیب سپاه سوار حرکت میکرد

موقع ظهر یك دسته مکتشفین سپاه سوار پنج نفر از نظامیان هند را دستگیر و خدمت فرماندهٔ کل قوا آوردند. اظهارات این اسراء باراپورتهائی که قبلا از تعدادقوای خصم به‌نادرشاه عرض شده بود کاملاً موافق بود، ولی بعضی مطالب آنها به نظر غریب می آمد. آنها عدهٔ مقیم (عظیم آباد) را خیلی زیاد می گفتند لهذا خود نادرشاه شخصاً با گارد قرارگاه بقصد اکتشافات لازمه‌روانه (عظیم آباد) گشت، موقع غروب نادرشاه باستون دوم سپاه‌سوارنظام و گاردهمایونی وارد حدود قصبهٔ (عظیم آباد) شد. درنتیجه اکتشافات اطراف قصبه و یك فرسخ دورتر از آن معلوم گردید که در قلعه (عظیم آباد) قریب دو هزار نفر عده موجود ولی در اطراف آن ابداً از وجود قوای هند اثری پیدا نیست. بعد مکتشفین راپورت دادند که ساختاری قلعه عظیم آباد طوری مضطرب و پریشان شده‌است که قادر به مقاومت طولانی نخواهند بود و خود حصار قلعه هم بواسطه اینکه از آجر ساخته شده استحکامی ندارد و امید رسیدن قوا نیز از کرنال تصور نمیرود. ولی راپورتهای ستون اول سپاه سوارکه مستقیماً بطرف‌صحرای کرنال رهسپارشده بود چندان خوب نبود. گویا قریب ده فوج سوار هند در آن حدود از عملیات پیشروی آنها جلوگیری کرده‌خیال تعرض نیز دارد.. ! بنا براین نادرشاه تصمیم گرفت که‌زودتر کار قلعه‌عظیم‌آباد را یکسره کرده بفوریت خودرا به ستون اول سپاه سوار برساند. برای این منظور به استعداد کل که در (انباله) متوقف بود امر فرمود که بطرف صحرای کرنال شروع بحرکت نمایند.

روز بعد صبح زود نادرشاه بخیال افتاد که غفلتاً قلعه را تصرف کنند بدین لحاظ بسرعت کامل خود را (با گارد‌ستون دوم) به حصار دور قلعه رسانیده دراین موقع مدافعین شروع به آتش غیرمنظم نمودند معزی‌الیه بفوریت قسمتی‌از حصار را با آتشباری که‌هنوز وارد خط‌محاصره

نشده بود موردشلیك قرارداد و مقاومت ساخلو چندان دوامی پیدا نکرده بفاصله دو ساعت ونیم تمامشان اسلحه‌را ترك کرده بخ.نه‌های قلعه بناهنده‌شدند، اهالی هم ازخوف جان‌خودبعجله درب قلعه‌را باز و نمایندکانی بعنوان تسلیم خدمت نادرشاه فرستادند و معظم اه تمام آنها را جاناً و مالاً تأمین داده ولی عده ساخلو قلعه را بطور اسیر به (انباله) فرستاده و یك نفر هندي راهم به قرارگاه محمد شاه پادشاه هند فرستاد که سقوط قلعه را به او اطلاع دهد .

تسخیر و ضبط قلعه (عظیم آباد) در مدت کمي باعث وحشت و پریشاني هندیها شده قوای روحیه تمام قشون را متزلزل نمود . سران سپاه هند خیال داشتند که دو فوج با هشت عراده توپ برای تزیید قوای ساخلوی قلعه بفرستند، هنوز این عده‌ها از کرنال راه نیافتاده‌بود که‌خبر سقوط و فاجعه قلعه عظیم آباد به گوش آنها رسید .

روز ۱۰ ماه فوریه نادرشاه از عظیم‌آباد حرکت نمود که در دوراهۀ (کرنال) به‌استعداد کل برسد .

موقع ظهر عموم قوای ایران در جنوب شرقی عظیم‌آباد جمع شده و بعد از ظهر شروع بحرکت نمودند .

نادرشاه سپاه سوار را با یك فوج پیاده و پانزده‌عراده توپ تقویت داده و امر فرمود که امشب تا صبح راه پیمائی نموده قبل از طلوع آفتاب بسواران هند که در شمال قریه (شاه‌فیروز) میباشند غفلتاً حمله نمایند و در ضمن بتمام قسمتهاي‌پیاده‌نظام امر شده است که فردا حرکت نمایند

مطابق همین نقشه آن شب سپاه‌سوار تا صبح راه‌پیموده ولی درموقع طلوع آفتاب مشاهده شد که هنوز یك فرسخ از راه باقی مانده‌است و این تأخیر بواسطه اشتباه چندنفر بلد همراه بود لهذا باز به حرکات‌خود ادامه داده مقارن ظهرباسواران هند مجدداً تماس حاصل کردند . هندیها همین که از رسیدن سپاه سوار ایران مطلع شدند قوای تأمینیه خود را تقویت و به یك مقاومت شدیدی مبادرت نمودند. سواران ایران چون عدۀ سواران هندرا از خود ضعیف‌تر دیدند لهذا بفوریت با شمشیر حمله نمودند. محاربه درحوضه دست راست جلگه در گرفت وجنك چه از طرف روساء و چه از طرف عده‌ها با نهایت شجاعت بعمل آمد .

پس از یك مصادمه خونین سواران هند از میدان محاربه رو گردانده بطرف کرنال عقب نشستند . چون تلفات سواران ایران خیلی زیاد بود لهذا آنطوریکه میبایست‌دشمن راتعقیب نمایند

ممکن نشد وپانزده نفر اسیری که مجروحاً دستگیر شده بودند فرمـانده سپاه سوار به قرارگـاه کل اعزام داشت. سواران هند تا حدود کرنال عقب نشستند.

روز بعد در قرارگـاه کل هند اوضاع بکلی تغییر نمـود. محمد شاه موقع ظهر بفوریت شورای نظام را تشکیل داده برای جـلو گیری از عملیات جسورانهٔ ایرانیان نقشه دیگری تهیه نمود. در این نقشه چنین قید شده بود که بایستی جدا شروع به تعرض شود.

در موقع شور کفیل فـرماندهی کل قوا (نظام الملك) مخالف با آراء سران سپاه بود. مشارالیه مصلحت بر این میدید که حالت دفاعی نسبت با اوضاع امروزه قشون بهتر خواهد بود فرمانده‌کل قوا (محمدشاه بدواً با این‌عقیده موافقت کرد ولی‌بعدبواسطهٔ اکثریت آراء سران سپاه نقشه اول را بالاجبار بموقع اجرا گذارد.

آن‌روز ازقرارگـاه کل‌حکم صادر شد که قشون‌حاضر برای حرکت‌شود. سپهسالاری‌قشون به سردار (خان دوران) و فرماندهی سواربه (سعادتخان) تفویض وبعد از ظهر قوا از کرنال حرکت نموده مـوقع غروب درسه فرسنگی رود خانهٔ (شاه فیض) اردو زد. آن شب محمد شاه انتظار داشت چهل هزارنفر قوای امدادیه که از دهلی دو روز پیش حرکت کرده‌بودندومیبایستی دراین‌نقطه به اردو ملحق شوندبرسندولی این قوا در آن شب به محل مقصود نرسید لهذا محمدشاه مجدداً تصمیم گـرفت که در این نقطه یعنی درتپه های واقعه بین کرنال ونهر «شاه فیض» خطوط دفاعی مرتب نموده تا حالت دفاعی اتخاذ نمایند. آن شب تمام افـراد اردو مشغول ساختن استحکامات بودند، در این موقع که هندیها به این اقدام‌اشتغال داشتند، فرمانده‌کل قوای ایران در سه راهـهٔ (تار) تمام قـوای خویش را جمع کـرده و غافل از اینکـه هندیها صحرای کرنال را تخلیه وشروع بتعرض کرده‌اند، مصمم شد استعداد کل قوار را مستقیماً بطرف کرنال بفرستد و سپه سوار را مأمور کرد کـه از راه شمالی برای تهدید قـوای هند عملیـات دورانی انجـام داده و بسرعت خـود را به دهلی برساند و پشت سر کرنال را احاطه و بدین وسیله رابطهٔ قوای محمـد شه را با پایتخت مقطوع سازد. برای انجـام این مقصود احکام لازم بـه رؤسای صنوف قشونی صادر شد.

روز پانزدهم ماه قوای ایران با آرایش جنگی بطرف رود خانه «شاه فیض» شروع بحرکت نمود.

استعداد کل با پنج ستون (توپخانه در روی خط شوسه) پیادگان در طرفین راه بفاصله دو هزار قدم حرکت مینمودند.

سپاه سوار مطابق دستور نادر شاه شب پانزدهم ماه قبل از استعداد کل بحرکت در آمد بملاحظه اینکه از اوضاع جاده های آن سمت اطلاعات مکفی در دست نداشت با کمال سختی از شب تاصبح راهپیمائی نموده موقع طلوع آفتاب درشمال جناح راست‌جبهه قوای هند مصادف بایك عده سوار نظام هند شده شروع به زد و خوردمینماید. ولی بعد چون فرمانده سپاه ملتفت میشود که سواران‌هندنزدیك اردوگاه هستندوعدهٔ آنها بیش‌ازایرانیان میباشد بفوریت سپاه سواررا جمع و عقب کشیده و از مصادمه طفره میرود.

سپاه سوار ازهمان راهی که آمده بود مراجعت نمود و در بین راه بـه یك ستون‌قوای هند مصادف شده (عده سعادتخان) شروع بحرب مینماید پس از ربع ساعت مصادمه قوای هندرا عقب میراند وتمام بار و بنه قوای سعادت خان را ضبط نموده موقع غروب‌خودرابه قرارگاه کل میرساند.

فرماندهٔ سپاه سوار راپورت جامع دائر برمحفوظ‌بودن جناح راست خصم‌ومسدود بودن راه دهلی تقدیم فرماندهٔ کل قوا می‌نماید این خبر سبب‌میشودکه نادرشاه از خیال احاطهٔ دشمن از پشت سر وتهدید پایتخت منصرف گشته و با عموم قوا مبادرت به تعرض نماید.

روز شانزدهم ماه قوای ایران باز با آرایش جنگی (سپاه سوار در جناح چپ) شروع بتعرض نموده موقع ظهر جلو داران ستونها بجلگه «شاه فیض» میرسند و عصری طرفین در حوضهٔ «شاه فیض» تماس حاصل وشروع به زد وخورد مینمایند. شب طرفین باکمال جدیت مشغول تهیه‌محاربه روزبعد میشوند.

طرفین عموم سوار نظام خود را در جناح شمالی تمرکز داده درخیال تهدید هم دیگر بودند و چون جناح جنوبی بواسطه صحرای بی‌آب و علف قابل عبور نبود لهذا طرفین بیشتر بجناح شمالی‌اهمیت میدادند. کثرت عده‌دستجات فیلهای قشون هند تا اندازهٔ باعث تشویش خیال سران سپاه ایران شده بـود و ازقرار معلوم به خـرطوم فیلها شمشیری بسته بودند و این حیوان هابا ضربت خرطوم چندین نفر را از پا در آورده بودند.

فرمانده‌کل قوای ایران درهمان شب‌اول برای رفع‌تشویش خیال‌افراد وصاحب‌منصبان‌مقارن نصف‌شب سران‌سپاه‌را به قرارگاه کل احضار و به انهااطمینان کامل داد که برای خنثی نمودن

عملیات فیل های مسلح خصم تدبیر مؤثری اندیشیده است و از این حیث بهیچوجه جای نگرانی نخواهد بود .

نادر شاه تمام شب به ترتیبات لازمه جنك مشغول بود . مطابق اطلاعات قراولهای اطراف جبهه دفاعی هندیها قریب یك فرسخ طول دارد . ولی راجع به میزان استعداد او اخبار مختلف بود .

عده قشون ایران که فردا میبایستی داخل نبرد بشود در مقابل هندیها کمتر بودو با اینکه در عرض راه با صدمه زیادی مصادف شده بود معهذا عده حاضر آن شب به نود هزار نفر بالغ می شد .

قشون هند در مدافعه مشغول تحکیمات بوده و دستجاتی که در همان شب وارد صحرای کرنال شده بودند حکم شد که بفوریت تا صبح بجبهه دفاعی رسیده ، در جناح چپ جبهه قرار گیرند .

قشون هند با قوائی که تازه از پایتخت هند به کرنال رسیده و بنا است تا فردا صبح بجناح چپ جبهه برسند جمعاً به (۲۵۰۰۰۰) نفر سوار و پیاده تخمین میشد و (۳۰۰۰) عراده توپ سبك و سنگین بوده و دو هزار زنجیر فیل جنگی نیز آنها را تقویت میداد .

خلاصه ، فردا که میبایستی نبرد معروف کرنال شروع شود با وضعیت امروزهٔ هندیها که از هر حیث تفوق کلی داشتند امری بس خطیر بنظر می آمد و بعلاوه جلو آمدن قوای هند از صحرای کرنال نشان میداد که خصم خود را برای تعرض نیز حاضر ساخته است .

ترتیبات جنگی هندیها عین ترتیباتی بود که در حدود صحرای کرنال اتخاذ نموده بودند .

٤ — شروع نبرد : روز هفدهم ماه صبح زود فرماندهٔ کل قوای ایران آرایش حربی خود را بطریق ذیل مقرر داشت :

۱ — قراولهای جلو تماس خود را تاشروع به تعرض محافظت خواهند نمود .

۲ — در خط اول محاربه سوار های سنگین اسلحه با توپخانهٔ سنگین که در جلو آنها زنبورك ها را قرار داده بودند که با حکم ثانوی شروع بتعرض مینمایند .

۳ — در خط دوم پیاده نظام سنگین اسلحه قرار میگیرد و برای تقویت حاضر شده با سایر دستجات تشریك مینمایند .

۴ — درجناحین جبهه تعرضی افواج سوار ، یعنی سپاه سوارنظام در تحت ریاست حاجی بیك افشار در جناح چپ و افواج بختیاری در جناح راست قرار گرفتند که قبل از همه شروع بتعرض مینمایند .

۵ — در خط سوم باز افواج پیاده سبك قرار گرفته یك قسمت از این افواج برای محافظت بنه قشون مأمور بودند .

۶ — دستجات شتر برضد فیلهای خصم معین شده ودرپشت خط اول قرار داشتند، بوته‌های پشت آنها را در موقع تعرض آتش بزنند . (۲۴)

۷ — قراولان و سوار های کشیك خانه فرماندهٔ کل قوا در پیشا پیش تمام صفوف قرار گرفته و دستور داشتند نادر شاه را از تمام حرکات دشمن مستحضر نمایند .

۸ — فرماندهی مستقیم خط اول محاربه را خود فرماندهٔ کل قوا بعهده گرفت و فرماندهی خط دوم به نصر الله میرزا و فرماندهی قوای جناح چپ کمافی السابق با حاجي بیك افشار بود .



هنگـام روزطرفین به آرایش جنگي خودمشغول بودند . مشگلترین مسئله تعبیه کردن آتشبار های سنگین بود زیرا که تیررس آنها برای سرکوبی استحکامات خط دفاعیه هندیها از مسافت زیاد ممکن نبود و لازم بود که آنها را خیلی نزدیك به جبهه دشمن بیاورند ولی اینهم اسباب خطر بود لذا قرار شد که شب هیجدهم ماه بتوسط توپچی های ماهر پانزده عراده توپ سنگین تا محلی

---

(۲۴) - ژنرال کیشمیش اوف درکتاب خود راجع به مقصود از تشکیلات دستجات شتر این طور مینویسد :
فیل هـای هند در قشون یك صنف علیحده ای تشکیل میدادند . در صورتیکه در مقابل این صنف در قشون ایران چیزی موجود نبود ، بنا بر این نادر شاه مجبور شد برای خنثی نمودن عملیات دستجات فیل هـای جنگی هندیها تدبیری اندیشیده دستور داد از محل اردو چهل نفر شتر حاضر کردند که در دو سمت جهاز هر یك از آنها دو تنور بار شده و در هر تنور قدری چوب و بوته خشك ریخته بودند که در موقع تعرض آنها را آتش زده و شتر هـا را با تنور هـا مشتعل بجانب فیل بـرانند چه نادر شاه بخوبی می دانست هیولای این حیوانات ندیده با آتش که در پشت داشتند باعث وحشت و رم خوردن فیل ها خواهد گردید و فیل ها نا چار پشت بمیدان جنك نموده بطرف اردوی خودی فرار خواهندنمود . باین ترتیب اسباب اختلال صفوف هندی کـاملا فراهم خـواهد شد بهمین لحاظ دستورصادر شد که شتر های مذکور را پشت خط اول نگـاهدارند وبوته های پشت آنها را فقط با امر فرمانده کل قوا آتش بزنند»

که خود نادر شاه به رئیس توپخانه قبلاً معین کرده ببرند. (۲۵)

روز هیجدهم فوریه در ساعت هشت صبح تمام قوای ایران با آرایش جنگی فوق الذکر در محل های معینه در میدان نبرد کاملاً استقرار یافت و خــود نادر شاه هم مسلح و مجهز شده با هیئت قرار گاه کل در جناح چپ خط اول محاربه قرار گرفت ولی برای تعرض حکم قطعی صادر نکرد و در ضمن دستور داد : « تا زمانی که وضعیت و مقصود دشمن روشن و معلوم نگردد نباید شروع به اقدام نمود. » بنابراین قوای ایران درمرحلهٔ اول محاربه حالت دفاعی بخود گرفته منتظر عملیات هندیها بودند.

بعد از ظهر جناح راست هندیها که همه سوار بودند شروع بتعرض مینمایند ولی عمده قوا در خط اصلی حالت دفاعي بخود گرفته توپخانه آنها دستجات اکتشافیون ایرانیان را کــه در بین جبهه طرفین مشغول اکتشاف و خدمت قراولی داشتند مورد شلیك قــرار داده و بعد محاربه با توپخانه از مسافت دور شروع گشت ولی در جناح شمال وضعیت حالت دیگری بخود گرفته سوار نظام طرفین بطور جدی داخل مقاتله شده بودند.

نادر شاه در مقابل تهاجمات سواران هند ترتیبات ذیل را اتخاذ نموده بعد شروع بتعرض متقابله نمود:

سپاه سوار را با یك فوج پیاده تقویت داده در سمت شمال در جــاهای مختلف در کمین گــاه گذاشت ، فقط پانصد نفر تفنگدار بهمقابل دستجات مهاجم سعادتخان و پانصد نفر دیگررا هم‌بهمقابل قوای خان دوران فرستاد که از تهاجمات آنها حتی‌المقدور جلو گیری نموده داخل محاربه شوند همینکه این تدبیر بکار رفت و آنها مشغول محاربه شدند سوار هائیکه در کمین بودند یك مرتبه از سه طرف ریختند و سخت حمله آوردند. سواي این چهار هزار سوار از قشون نادر شاه یك نفر داخل محاربه نشد مگر خود معظم له با هزار نفر سواران افشار به اطراف حــرکت میکرد و سوار هــا را تشویق مینمود و دستور العمل میداد و بقیه سپاه سوار بر حسب حکم در حــدود استعداد کل(که درمقابل قوای عمدهٔ هندیها بود) صف کشیده‌بودند ، هرطایفه بجای خود وحاضر بودند که بیك‌فرمان‌به امدادبیایند ولی اتفاقاً بوجود آنها احتیاجی‌پیدانشد. این چهارهزار سوار

---

(۲۵) اختیار موفقیت‌جبههٔ محاربهٔ تدافعی اهمیت فوق العاده دارد لذا می بایستی مو قعیت را طوری انتخاب که اراضی مقابل حتی الامکــان درتحت آتش مستقیم‌وتقاطعی قرار گیرد ج : ق

و هزار نفر پیاده قبلاً از تهاجمات سوار نظام هند جلوگیری نموده بعد بایك تعرض متقابله صفوف آنها را عقب رانده قدری پیشرفت نمود. محاربه باشتراك پیاده نظام تا دو بعد ازظهر طول کشید، طرفین در این سه‌چهار ساعت مجدانه جنگیدند ولی بعداز یکساعت چون هندیها بیش از حد تلفات داده بودند از میدان نبرد پا کشیدند و سپاه سوار ایران آنها را سخت تعقیب نمود و از صاحبمنصبان هند شیر جنگ‌خان وچندنفر ازاقوام خان دوران که‌یکی ازرشید ترین صاحبمنصبان هند بود اسیر شدند (مراد خان) چند زخم منکر برداشت و (مظفر خان) رئیس فوج اول سوار وچند نفر صاحبمنصب دیگرهند کشته شدند و بعضی‌دیگر زخمدار به اردوگاه هند برگشتند وعدهٔ کثیری در میدان محاربه بخاك هلاك افتادند.

سپاه سوار ایران‌قوای‌هند را تا حدود خط مدافعهٔ هندیها تعقیب نموده بعدباحکم فرمانده کل بخط اصلی برگشتند.

عقب نشینی سواران هند هیاهو و قیل و قال غریبی در اردوگاه تولید نموده واغلب بنهٔ سواران هند را فراریان خودشان بتاراج بردند.

در موقع غروب جناح راست جبهه هندیها در نتیجه شکست سواران بدون جهة و فشار ایرانیان متزلزل شده و يك قدری جبهه بشکل منحنی بطرف عقب رفت و از افراد بعضی افواج نیز فرار کردند. در میان این اغتشاش فرمانده کل یعنی محمد شاه بسنگر های نظام الملك که در مقابل اردو بود رفت و به اتفاق وزراء و امرای لشگر از سنگر ها خارج شده و صفوف قشون را آراسته که نگذارند سوار نظام ایران بیشتر جلو بیایند ولی اگر شب نرسیده بود این تدابیر فائده نمی بخشید و در همین روز کار یکسره میشد زیرا نادر شاه عموم قوا را برای تعرض قطعی حاضر ساخته و توپخانه نیز شروع به‌بمباردمان کرده، بعد از غروب آفتاب در طول جبهه سکونت حکمفرما بود.

مصادمات خونین جناح جبهه کرنال قوای روحیه قشون هند را بکلی متزلزل ساخته و روحیه تمام صاحبمنصبان رادچارتزلزل‌وانحطاط نمود. يك ساعت بعداز غروب آفتاب محمدشاه پس از تفتیش جبهه به چادر خود برگشت. جمعی از قشون هند که بدون تکلیف و پریشان در پشت سر جناح راست متوقف و جمعي از آنها مواظب بنه و بار بودند بطرف « دهلی » فرار کردند.

شب، در بین قراولان طرفین تیر تفنك رد و بدل میشد. و هردوطرف بحال‌بیداری‌بسربرده و برای یك محاربه خونین آماده بودند.

فردای آن روز (نوزدهم ماه) محاربه در طول خط کرنال مجدداً شروع شد و تا ظهر سواران طرفین در جناحین و توپخانه در مرکز مشغول محاربه بوده ولی مقارن ظهر هندیها شروع بتعرض نمودند، در جلو صف حمله قریب هزار زنجیر فیل جنگی باکمال تأنی حرکت مینمودند، متعاقب آنها عموم پیاده نظام سبك با تفنك های کوتاه و خنجر در تحت فرماندهی خان (دوران) و در دنبال آنها پیاده سنگین بالغ بر چهل هزار نفر در تحت ریاست (سعادتخان) در حرکت‌بودند، خود محمد شاه با سایر قسمتهای قشونی و تمام توپخانه، قوای احتیاط را تشکیل ودر خط اصلی مدافعه مانده نسبت به اوضاع آتیه محاربه، هم برای تعرض و هم برای دفاع خود را حاضر ساخته بودند.

قوای ایران در مرحله اول محاربه حالت دفاعی داشتند توپخانه ایران بطرف صفوف فیلها و پیاده سبك هندیها بسرعت تیر اندازی میکرد و همینکه صف فیل ها نزدیك بمواضع ایرانیان شدند بامر نادر شاه تنور های دشت شتر ها را دفعتاً آتش زده و آنها را در جلو خط مقدم جنبین نزدیك به سوار نظام بحرکت درآوردند ولی حرارت‌آتش متدرجاً زیادشد وپشت شترها را طوری گرم نمود که تمام آنها یك مرتبه از جا کنده و صدا بفریاد بلند ساختند و در این موقع توپخانه نیز صف فیلهای جنگی هندیها را هدف شلیك خود قرار داده مرتب میکوبید. فیلهای صف حملهٔ هندیها به مشاهدهٔ این منظره غریب و موحش، دچار ترس و هیجان شده صف های محاربه را خراب و تماماً بدور یکدیگر جمع شده و دفعةً رو بهزیمت گذاشته و خود را بقلب صفوف (خان دوران) زدند.

ایرانیان ازوضعیت‌استفاده کرده باشیپور علامت هجوم‌زدند، سواران‌ازجناحین وپیادگان از مرکز شروع بحمله‌متقابله نموده قریب یك ساعت طرفین باکمال‌شدت بااسلحه سرد میجنگیدند ومحمدشاه بفوریت‌پیاده سنگین را به جبهه اصلی بس کشیده ترتیبات دفاعی بخود گرفت ولی پیاده نظام سبك با دستجات دیگر تا مغرب جنگیدند و تلفات زیادی دادند. در این موقع (خان دوران) مجروح و پسرش با جمعی از صاحبمنصبان اردو مقتول شد و قوا از هم پاشیده و بکلی از خط محاربه خارج گردید ولی بحکم محمد شاه فوراً پیاده سنگین مجدداً از سنگر ها بیرون آمده در تحت

ریاست سعادتخان برای تقویت قشون خان دوران بمیدان محاربه هجوم آوردند باز محاربه شدت یافت. وقتیکه محاربه در مرکز با این شدت جریان داشت در جناح شمالی نیز سواران ایران مقاتله نمودند ولی سوار های نادر شاه بحدی خسته و فرسوده شده بودند که بدون کمك و تقویت امکان پیشرفت برای آنها نبود.

بدین جهة نادر شاه فوراً امر داد که نصر الله میرزا با عدهٔ خود بکمك جناح چپ برسد. نصر الله میرزا در اجرای امر بلا درنك حرکت نمود اما در این موقع به هندی ها هم کمك رسیده و تفوق محاربه در دست هندیها ماند. بعد از این نادر شاه ناچاراً آخرین قوای احتیاط خود را برای تقویت جناح چپ و مرکز بمیدان محاربه احضار کرد. پس از تقویت صفوف جنگی مجدداً ایرانیان شروع به پیشرفت نموده هندیها را تا خط اصلی عقب راندند و در این بین فرماندهٔ قوای دوم هند (سعادتخان) اسیر میشود و یك قسمت توپخانه آنها نیز در میدان محاربه می‌ماند بعد از تاریك شدن هوا محاربه خاموش میشد و طرفین در مکان های خود منتظر صبح میشوند.

آن شب طرفین تا صبح بیدار و منتظر عملیات همدیگر بودند

نصف شب محمد شاه برای ترتیبات خط مدافعه (نظام الملك) را خواست، در مسافت مابین سنگرهای نظام‌الملك و چادر محمد شاه یکنفر نظامی دیده نمیشد واغلب آنها از تاریکی شب استفاده کرده فرار میکردند. نظام‌الملك و سر بلند خان و قمرالدین خان و سایر امراء که باقی مانده بودند تا نزدیك صبح در حضور محمد شاه درمشورت بودند، آخر شب به محلهای خود معاودت کرده برای دفاع حاضر شدند. روزبعد یعنی روز بیستم ماه صبح زود فرماندهان قشون هند چون دیدند خط مدافعه ازجمعیت خالی است وبیم تعرض قوای ایران میرود لهذاطول خط مدافعه را تقلیل داده و سنگر ها به اندازهٔ قشونی که در کرنال باقی مانده بود بیکدیگر نزدیك نمودند و در مسافت مابین چادر پادشاهو سنگرهای نظام الملك مجتمع شده و قشون تمام روز زیر اسلحه و هر دقیقه مترصد آمدن ایرانیان بودند ولی ایرانیها صبح زود شروع بتعرض نکرده بالعکس منتظر خصم و رفع خستگی افراد بودند.

تمام‌روز بحال‌وحشت‌واضطراب گذشت بعداز ظهرقوای ایران‌مجدداً برای تعرض،آرایش‌جنگی بخود گرفت ولی محمد شاه وضعیت قوای خود را بکلی خراب وپریشان میدید و همچنین عده‌های افراد نسبت بروز قبل تقریباً به نصف درجه تنزیل یافته بود لهذاشخصاً برای متارکه حاضر شده

چند نفر صاحبمنصب را با بیرقهای سفید بطرف اردوگاه ایرانیان فرستاد که ترتیب متارکه جنك را بدهند. نادر شاه فوراً آنها را بحضور خود پذیرفته ومتارکه جنك راقبول فرمودند وبقسمت‌های مختلفه‌قشون امر شد که در مکان‌های خود اردو زده طلایه های بزرك درجلوخود استقراردهند.

قشون های طرفین شب را در زیر اسلحه و اسبها بي علوفه در زیر زین بسر بردند.

۵ — متارکه جنك — روز بست و یکم ماه نظام الملك و عظیم الدوله از طرف دولت هند برای قرار داد متارکه جنك به‌اردوگاه نادر شاه رفتند و شش ساعت در آنجا بودند ولی نتیجه و مواد متارکه بطور قطع معین نشد و طرف‌عصر نمایندگان هند به جبهه خود بر گشتند.

روز بیست و دوم ماه نیز بشور و گفتگو گذشت و شرایط نادرشاه را نمایندگان دولت هند بقرار ذیل قبول کردند:

۱ — پادشاه هند برای امضاء متارکه جنك بایستی فردا درقرارگاه فرمانده کل قوای ایران حاضر شود.

۲ — پس از امضای متارکه نامه جنك قشون هند خلع اسلحه شده افراد مرخص بشوند.

۳ — تمام قور خانه و اسلحه و لوازمات جنگی و وسائل نقلیه تسلیم قشون ایران گردد.

٤ — چون قشون ایران دراثر راه پیمائیهای طولانی‌خسته و از آذوقه و ملزومات دست تنك هستند، باید به پایتخت هند (دهلی) رفته چند روز در آنجا استراحت نماید.

۵ — مذاکرات صلح پس ازامضای مواد متارکه درشهر دهلی شروع خواهد شد.

* * *

ملاقات دو پادشاه درمیدان محاربه

روزبیست وسوم ماه پادشاه هند برای‌امضای‌متارکه جنك نامه‌بطرف‌اردوگاه ایران حرکت نمود وبه کفیل خود امر داد که قشون را مرخص و اسلحه را در یك نقطه جمع آوری وبه نماینده ایران تسلیم دهد.

محمد شاه در تخت روان نشست (چتری بالای سر او بود و یدك و طبل درجلو او) با غازی الدین خان وعظیم‌الله خان پسروزیرجنك و چند خواجه ودویست نفر سوار از اردو بیرون

رفت همین که مسافتی در منطقه بیطرف طی شد اشاره کرد سوارها ایستادند وخود او با خواجه‌ها وامراء مذکور که هر یك دو یاسه نوکر بیشتر نداشتند به اردوگاه نادر شاه رفت در وسط راه طهماسبخان وکیل به استقبال او آمد واظهار خدمت کرد بعد نصر الله میرزا پسر نادرشاه سواره به تخت روان رسیده پیاده شد و بقاعده مملکت خود احترامات لازمه را بجا آورد. محمد شاه نیز از تخت روان پائین آمده نصر الله میرزا را در آغوش کشیده و بعد به اتفاق رفتند تا به توپخانه اردوی ایران رسیدند. در آنجا جلو نوکر ها را گرفتند و پادشاه با دو سه خواجه و امراء گذشتند وقتی که بدر خیمهٔ نادر شاه رسیدند معظم له نیز محمدشاه را استقبال کرده دربغل گرفت و نزدیك خود در روی مسند نشاند و بعداز تعارفات واحوال پرسي وامضای متارکه جنك نادرشاه بشرح ذیل به پادشاه هند خطاب کرد: (١)

(عجب است که شما اینقدر در امور خود بی قید و بی اعتنا باشید. با وجود اینکه)
(مکرر بشما نامه نوشتم و سفیر فرستادم و اظهار دوستی کردم وزراء شما لازم ندیدند)
(جواب کافي برای من بفرستند وبواسطهٔ عدم انفاد امر ونظم امور شما یکی ازسفرای ما)
(بر خلاف تمام قوانین درمملکت شما کشته شد، سهل است وقتی که داخل مملکت شما)
(شدم گویا شما اعتنائی بکار خود نداشتید به اقلاً بفرستید سؤال کنید من کی هستم)
(و خیالم چیست؟ وقتی من بلاهور رسیدم یکنفر از شما پیغام و سلامی نیاورد سهل)
(است جواب پیغام سلام مرا هم ندادید. بعد از آنکه امرای شما از خواب غفلت بیدار)
(شدند تمام وسایل اصلاح را قطع کردندو همه.باکمال بی نظمی پیش آمدند که جلو)
(مرا بگیرند و همه خود را نزدیك دام آوردند. اینقدر عقل و احتیاط نداشتند که)
(اقلاًبعضي رابجا بگذارند تااگراتفاقی بیافتد بتوانند کاری بکنند واموررااصلاح نمایند)
(گذشته از اینها باکمال بیعقلي در میان سنگر های خود جمع شده اید و تصور نمیکنید)
(که اگر دشمن قویتر ازشماباشد، شما نمیتوانید بی آب وبي آذوقه در آنجا بسر برید و)
(اگر ضعیف تر از شماباشد، غیر لازم بلکه ناشایسته بود که خود را محصور نمائید. اگر)
(به دشمن اعتنائی نداشتید و او را آدم متهور وبی ملاحظه می پنداشتید نمیبایستي)
(شهرت وشخص خودرا بخطر بیندازید، یکنفر سردار قابل وصدیق و با تجربه مأمور)

---

(١) — از تاریخ هند

(میگردید در مدت قلیلی او را مستأصل و تلف میکرد ولی اگر از تجربه و رفتار)
(بقاعده میترسیدید بطریق اولی نمیبایستی بعد از آنکه او را اینطور بجنك واداشتید)
(همه چیز خود رایك مرتبه بمهلکه بیندازید ـ سهل است بعد از آنکه اینطور خود)
(را گرفتار کردید وتکلیف صلح کردم ولی شما بتصورات طفلانه و عزم جاهلانه چنان)
(مغرور بودید که گوش بهیچ نوع مذاکره شایان ندادید وصلاح خودتان را ندیدید تا)
(بالاخره که بعون خداوند عالمیان و قوت شمشیر مبارزان فیروز دیدید چه روی داد ؟)
(اجداد شما مملکت را خوب حفظ میکردند ، ولی در دورهٔ شما خراب شد ومارا مجبور کردید)
(که متحمل خسارت جنك بشویم ، اما چون تا بحال از خوانواده تیمور نسبت به)
(مملکت و ملت ایران اذیت و ضرری نرسیده من سلطنت هندوستان را از شما خلع)
(نخواهم کرد ، لیکن چون بیقیدی و غرور شما مرا مجبور کرده که مسافت بعیدی تا اینجا)
(طي کرده مخارج گزاف نموده‌ام . قشون ما بواسطه حرکت زیاد خسته واز آذوقه و)
(ملزومات دست تنك هستند باید به پایتخت [به شهر دهلی] بیایم « م » و در آنجا)
(چند روز بمانم تا قشون خستگي بگیرد وخسارت جنگي که با نظام الملك قرار داده)
(شده تسلیم شود، بعد ازآن شمارا بحال خود خواهم گذاشت تا بامور خود بپردازید)

☆✱☆

روز بیستم ماه طرف عصر پادشاه هندوستان پس از امضای شرائط مقدماتی صلح بقرارگاه خود بر گشت . شب بعموم قشون ابلاغ شد که با دولت ایران مصالحه شده و از فردا باستثنای گارد شاهی سایر افواج مرخص خواهند شد . (ن)

شب بدون حادثه گذشت ولی هر دو طرف درجبهه های اصلی مواظب و هوشیار بودند .

در همان شب بشکرانه این فتح بزرك مجلس جشن با شکوهی در اردوگاه ایران بر پا شد و جشن مزبور تا نیمه‌شب دوام داشت .

روزبعد صاحبمنصبان ارشد هندباشرائط متارکه جنك بنای مخالفت را گذاشتند ، واختلال شدیدی در قشون ایجاد کردند . در صورتیکه نادر شاه قید کرده بود که پس از امضای شرائط متارکه جنك مواد آن به موقع اجرا گذارده شود . لهذا آن روز ایرانیان مجبور شدند که قدری

(م) — این‌ملاقات دربیست وپنج فرسنگی پایتخت هندوستان در قرارگاه کل قشون ایران واقعشده‌است .

(ن) — این‌اصول‌مخالف انضباط‌بوده ولی فراریان هند طوری زیاد شده بودندکه برای جلوگیری ازاین عمل تعجیل گردید . ج . ق

جبهه خود را جلو تر برده وضعیت تهدید آمیزي نسبت به جبهه دفاعي هنديها اتخاذ نمایند، آنروز تاظهر خبری ازطرف هندیها نرسید. تمام سرکردهها و سران سپاه ازحضور نادرشاه تقاضا کردند جبهه قشون هند راموردهجوم قراردهند ولی نادرشاه به این اقدام رأىنداد وآنهارا متقاعدنمود که هم محمدشاه وهم سرداران او بواسطه فقدان آذوقه وافراد و مرعوبیت بالاخرهسرتسلیم پیش خواهند آورد.

درحقیقت همان طوریکه نادرشاه حدس زدهبود پیشآمد نمود ومحمدشاه کاملاً طرفدارصلح بود. زیرا وضعیت قشون خود را بخوبی سنجیده و میدانست که با این روحیه و وسائل با قشون ایران دوباره داخل جنك شدن ثمر ندارد بنابراین درآن روز مجدداً مجلسي از سران سپاه تشکیل داده وضعیت قشون خود و خصم را به آنها کاملاً توضیح داد و تا نصف شب مجلس شور ادامهداشت بالاخره محمدشاه گفت که «اختیار امور ازدست من بیرون رفته وباید یکی ازسه کار رابکنم، یافردا باقشونبسمت دشمن تعرضکرده ازجان بکوشم. یا آنکه یك مرتبه سم خورده کار رایکسره و رفع تمام ذات وخیالات وبینوائی را بکنم، یا آنکه بهر تکلیفی که از طرف خصم معین میشودآسوده تن بدهم». (۱)

بالاخره سران سپاه قرار دادند که یك هیئتی مجدداً بحضور نادر شاه فرستاده واز معظم له استدعا کنند که (آمدن قشون ایران به پایتخت هند اسباب اغتشاش و موجب اخلال اوضاع داخلی هندوستان است. لهذا در همین جا ممکن است معاهده را تنظیم و امضا نمایند و خسارت جنك نیز بعد از یك ماه در لاهور بخزانه قشون ایران تسلیم شود) شب بدون حادثه گذشت ولی هر دو طرف هوشیار و مواظب اطرافخود بودند.

صبح روز بیست و پنجم ماه فوریه نمایندگان هندوستان (نظام الملك و عظیم الله خان) بحضور نادر شاهرفتند، هیئت اعزامی هند پیام دولت را به نادر شاه عرض کردند (ل) و قریب

---

(۱) — اقتباس از تاریخ هند. ج - ق

(ل) — روز بیست و پنجم ماه هر دو طرف مشغول دفن مقتولین بودند. تلفات در محاربه (۱۷۰۰۰) نفر بود وضایعات قوای ایران از (۲۰۰۰) نفر تجاوز نمیکند. جسدهای مقتولین هند در مسافت سه فرسخ متفرق بود مامورین صحیه هند که (بیلدار میگفتند) قدری خاك روی جسد ها ریخته بر گشتند ولی ایرانیها تمام مقتولین ومجروحین خود را از میدان محاربه جمع کرده در محل مناسبی قرار دادند و همانشب کشتهها رادفن کردند. از قشون هندوستان جمعی چنان زخم برداشتند که قادر بر حرکت نبودند و کسی آنقدر به آنها رحم نکرد که از میدان جنك به محلمناسبی آورده ومعالجه کنند. بیچار ها در اندك زمان در میان جسد کشتگان مردند

از تاریخ هندوستان اقتباس شد — ج : ق

شش ساعت در اطراف آن مذاکره شد و بالاخره نادر شاه فرمود که (چنانچه مایل به صلح باشید باید شرائط اولیه ما را بدون گفتگو قبول کنید) .

نمایندگان سه‌ساعت ازشب رفته بحضور محمد شاه برگشتند و از آنچه راکه نزد نادرشاه مذاکره‌شده بودبعرض رسانیدند.

روز بیست و ششم ماه محمد شاه ناچار تصمیم گرفت که مطابق شرائط اولیه نادرشاه‌رفتار نماید . سه ساعت قبل ازظهر به اردوگاه نادرشاه رفت و تمام مسائل را حل کرده‌بعد به اردوگاه خود مراجعت کرد .

روز ۲۷ ماه افواج غیر دائمی هند که نصف بیشتر آنها قبلاً متفرق شده بودند مرخص گردید .

از طرف نادرشاه هم توپچی باشی (رئیس توپخانه کل) ونسقچی باشی با چهارصد نفر سوار برای خلع اسلحه به قرارگاه کل هند آمدند .

توپچی باشی مأمور بود که بهمراهی سعد الدین خان تمام توپخانه محمد شاه و امرا را ضبط نماید و نسقچي باشی نیز به معاونت فخر الدین خان مأموریت داشت که خزانه و جواهرات و اسلحه خانه و تمام اثاثیه و اسباب و اسلحه متعلق به محمد شاه و امرای مقتول را بتصرف در بیاورد .

روز بیست و هشتم ماه قشون هندوستان کاملاً خلع سلاح شده و اموال محمد شاه و امراء که در قرارگاه بود تسلیم مأمورین نادرشاه شد دویست عراده توپ با مهمات زیاد و کلیه فیل های جنگی و مقدار کثیری اسلحه پیاده نیز تسلیم نماینده دولت علیه ایران گردید .

روز بیست ونهم ماه قرارگاه کل قشون هند ملغی و جزو قرارگاه ایران شد و یك قسمت از غنائم جنگی را باخزانه و سایر اموال متصرفی با عده مخصوص به شهر کابل فرستادند که از آنجا به قندهار روانه نمایند . درهمان‌روز نادرشاه بمیزان مواجب ماهه بتمام آحاد وافراد اردوی خود از سرباز و خدمه بازارچی و غیره . . . انعام اعطا فرمود .

روز اول ماه مارس طهماسبخان وکیل با چهار هزار و پانصد نفر تفنگدار به

(شاه جهان آباد) مأمور شد که قلعه را بتصرف در آورد . (ن) موقع غروب عدهٔ مذکور وارد محیط قلعه شد ولی شروع به اقدام نکرده راجع به وضعیت و استعداد ساخلوی قلعه راپورتی به قرارگاه فرستاد .

روزغره ذیحجه نادرشاه مشغول تهیه وسایل حرکت به (شاه جهان آباد) شد ودوساعت بطلوع آفتاب مانده روز بعد بابیست هزار نفر سوار ونداده منتخب روبراه‌نهاد ومحمد شاه باچهل نفر ازمعتبرین وده‌هزار نفر ازسواران ایران بفاصله نیم فرسنك عقب نادر شاه بود . در يك طرف سر بلندخان با اتباع‌خود و بشت سر او خدمه و بنه محمد شاه بود ، در طرف دیگر اتباع و بنه نظام‌الملك و فخرالدین خان قرارداشت وفاصله هر دسته ربع فرسنك ويك میدان بیش بود که دربین‌هريك ازاين دسته ها سوارهای ایران‌برای‌این گماشته شده بودند که نگذارند قسمتهای مختلفه بیکدیگر ملحق شوند یا از جائی‌که برای آنها معین شده تجاوز نمایند .

روز چهارم ماه ذیحجه قبل از رسیدن استعداد کل قوا تیپ طهماسبخان قلعهٔ شاه - جهان آباد را بتصرف در آورد . روز سه شنبه ششم ذیحجه قشون ایران ازقصبه «سنپوط»حرکت کرده به قریه « نیرلا » آمدند .

در مدت شش روزی که قشون ایران در راه بود محمد شاه با وزراء و درباریان خود بمعیت اردو حرکت میکردند ولی ازسه فرسنگي شهر دهلی برای تهیه و تدارکات مقدمات ورود نادرشاه افشار اجازهٔ مرخصی حاصل نموده جلو تر از اردو بشهر وارد گردید

روز هفتم ماه نادرشاه با قرارگاه کل سپاه سوار به باغ «شلیمار» وارد شد .

٦ – اشغال پایتخت هندوستان «بدون محاربه »

باوجود اینکه بموجب متارکه نامه جنك قشون هندوستان‌مرخص شده بودولی باز در شهر (دهلی قبل از ورود قشون ایران قریب دو فوج با بیست عراده توپ موجود بود، لهذا نادر شاه مراسلهٔ فوری به محمد شاه نوشته و مقررداشت که اسلحه آنها را قبل از اینکه وارد شهر بشود تسلیم نماید .

روز پنجشنبه هشتم ذیحجه نادر شاه باجلال و کوکبه تام وارد شهر دهلی شد ، دولت هند از دروازه غربی شهر (دروازه مخصوص به سلاطین) تا ارك دولتی تمام خیابانها را با قالی

(ن) — شاه جهان آباد قلعه ایست که در يك فرسخی طرف شمال راه دهلی واقع و درموقع متارکه جنك ساخلوی آن بحکم محمد شاه مخالفت کرده خلع سلاح نشده بودند لهذا نادرشاه قبل از حرکت اردو بطرف پایتخت ضبط قلعه مزبور را امر فرموده اند . از کتابهای جغرافی هند — ج - ق

و شالهای قیمتی مفروش نموده بود، به ورود دروازه توپهـا مشغول شلیك شدند و اهالی در دو سمت خیابانها صف کشیده هلهله کنان ورود قشون فاتح ایران راتبریك میگفتند. (ل) جلو دروازه ارك دولتی محمد شاه با تمام رجال و وزراء به استقبال شاهنشاه ایران شتافته و متفقاً بعمارت ارك ورود نمودند.

نادر شاه از مراسم پذیرائی با شکوه اهـالی اظهـار رضایت نموده محمد شاه را کماکان در خود ارك منزل داد وبا کمال مهربانی با اورفتار نمود وبرای قدردانی از این پذیرائی شایان دولت هند، نادرشاه به کلیه قشون احکام سخت صادروقدغن اکیدنمود که نظامیان ضرروبی احترامی نسبت به اهالی نرسانندوبه نسقچی ها که مواظبت این امور باآنها است نیزحکم شد که هرکس به هندیها اذیت کند از هیچگونه تنبیه وسیاست مضایقه نکنند.

درمدت سه چهار روز اول ورود قشون ایران سکونت و آرامش شهر بحدی بود که نظامیان ایران بدون اسلحه ناریه در کوچه و بازار عبور و مرور میکردند ولی روز چهارم دژبان دهلی راپورت داد که اهالی شهر آرام نیستند و خیال شورش دارند. (ص)

روز شنبه دهم ماه نزدیك عصر شورش شروع شد و جمعی هم از نظامیان ناراضی به آنها ملحق شده نسقچیها را با عده‌ای از نظامیان ایران کـه بخرید غله آمده بودند کشتند. همینکه قضیه بعرض نادر شاه رسید، فوراً سپاه سوار را بشهر احضـار و شخصـاً بهمان میدانی کـه جمعیت ازدحام نموده بود حرکت کرد ــ ورود نادر شاه به محل مزبور تااندازهٔ باعث تفرقه جمعیت گردید ــ نادر شاه در راه نعش جمعی از قشون خود را دیدکه‌پیش ازظهر کشته شده بودند، قبلاً یك‌دسته‌سوار به‌اطراف فرستاد که‌مردم را آرام کنند وحکم کرد که اگرتهدید ووسایل دیگر اثر نبخشید بااسلحه‌جلوگیری کنند.. ولی‌ابدا به آنهائی که‌داخل شورش‌نیستندصدمهٔ وارد نسانند. اول‌قشون‌ایران بانسقچیها به آرامی وملایمت حرکت کردند ولی‌مردم بجای‌اینکه آرام شوند، بر

(ل) ــ بااینکه دولت‌هند آسایش‌داخلی شهررا برای ورود قشون ایران مرتب کرده‌بازاسباب‌ناراحتی خاطر بود لهذا نادر شاه روز هفتم ماه با بیست هزار سوار و ده هزار پیاده و پنج عـراده توپ با احتیاطهای لازمه بشهر وارد شد وبقیه قشون را در خارج شهر گذاشت. « از تاریخ هند اقتباس شد »

(ص) متعصبین و علماء شهر دهلی در اغلب نقاط شهر مجالس سری تشکیل داده بر علیه قشون ایران شروع به تحریکات نمودند، بالاخره قرار گذاشتندکه روز شنبه به‌قرارگاه کل ایران‌حمله نمایند: ــ (از تاریخ هندوستان) ــ

جسارت خود افزودند و بدون هیچ واهمه شروع به تیر وتفنك کردند. نادرشاه بطرف مسجد روشن الدوله که نزدیك به محکمه (کوتوال) بود روانه شد و اهالی شهر در نزدیك مسجد بالای بامهای خود رفته شروع بشلیك وتیراندازی نمودند ازیکی از این بامها یایکی ازپنجهره ها یك تیر مخصوصاً رو به نادرشاه انداختند واین تیر بیکی از صاحبمنصبان که نزدیك ایشان ایستاده بود اصابت نموده واو را از پا درآورد. این قضیه سبب شد که نادر شاه برای حفظ امنیت پایتخت وسلامتی قشون خود حکم نماید که از آن محل شروع به قتل عام کنند.

خونریزی از بازار صرافان که جلو قلعه است تا عیدگاه قدیم که یك فرسنك مسافت دارد درگرفت وشش ساعت طول کشید و بالاخره نظامیان ایران موفق شدند وتمام شورشیان را از بین برده وبه انقلاب خاتمه دادند.

روز بعد مقارن ظهر صدر اعظم و فخر الدین خان که نسبتاً بی طرف بودند به نزد محمد شاه آمده و او را برای شفاعت به حضور نادر شاه روانه نمودند. پادشاه هند در صحن مسجد روشن الدوله شرفیابی حاصل نموده باکمال عجز وتضرع استدعای عفو عمومی نمود و نادر شاه بنابر تمنای او حکم عفو عمومی صادر کرده بصدای طبل اعلام شد که دیگر باهالی صدمه نرسانند.

روز دوشنبه دوازدهم ماه ذی‌حجه مجدداً امنیت بر قرار شد. بموجب حکم نادر شاه اسراء را بخانه های خود بر گردانیدند.

روزسه شنبه سیزدهم ماه [illegible] ان را نادرشاه مأمور کرد که اسلحه و توپهای قوای روح الله‌خان را بتصرف در [illegible] برج در ساعت هشت شروع به محاربه نمودند هندیهای ساخلو آنجا تا ظهر مقاومت [illegible] از ظهر تسلیم شده ودر شهر سکونت حکمفرما گردید.

روز چهار شنبه چهاردهم ماه حکومت نظامی اعلام و امنیت بر قرار شد. (ق) و در

(ق) ـ روز پنجشنبه پانزدهم ماه چون [illegible] نعش در اطراف قلعه و بازار ها و جاهای دیگر افتاده و تعفن کرده بود [illegible] شهر هر کسی را در کوچه دیدند مجاور کرده و به بیرون بردن نعشها وا داشتند و بعضی از نعشها را طناب بپا بسته به بیرون شهر کشیدند و بعضی را به رو خانه انداختند.

— از تاریخ هندوستان —

خارج و داخل شهر انتظامات حکمفرما گردید

روز جمعه شانزدهم ماه نادر شاه یاد داشتی راجع به قرار داد صلح از قصر « شلیمار » به محمدشاه ارسال واخطار نمود که در بیست ویکم‌ماه معاهدهٔ صلح به امضا برسد و نیز درهمان‌روز فرمانی‌صادر گردید که تمام مملکت ایران بجزولایات جدید تاسه‌سال ازپرداخت مالیات معاف باشد.

روز هفدهم ماه توسط محاکمات کشوری محرکین اصلی این فتنه و فساد که سید نیاز خان و علیمحمد خان بودنددستگیر و اعدام شدند.

روزیکشنبه هیجدهم ماه قسط اول خسارات از خزانه دولت هند بطور علی الحساب در یافت گردید.

روز دو شنبه نوزدهم ماه کمیسیون خلع سلاح وخسارات جنك دو باره تشکیل و تمام روز مشغول نوشتن اسامی و سیاهه کردن بودند.

بعداز ظهر چند نفر ازمقصرین اعدام شدند.

روزسه‌شنبه بیستم ماه کمیسیون غرامات جنك بکارهای خودخاتمه داده قسط دوم‌خسارات جنك‌نیز بحیطه‌وصول درآمد.



فصل ششم
خاتمه جنك

۱ – انعقـاد صلح و معاهده شليمار — نادر شاه پس از مضمحل نمودن‌قشون هند در صحرای «کرنال» وضبط پایتخت آن‌دولت و بر قرار نمودن‌امنیت و آسایش تصمیم گرفت که بفوریت معاهده صلح‌را به‌امضاء رسانده، قسمت شرقی رود «سند» راتخلیه نماید.

روز بیست ویکم ماه تمام امرای هر دو دولت بحکم نادر شاه قبل از طلوع آفتاب در حضور محمد شاه حاضر شدند، در آنجا چهل و دوخلعت که نادر شاه برای امرا فرستاده بود پوشیده شد در ساعت ده‌صبح محمد شاه تیموری با هیئت وزراء بحال پیاده تا درب عمارت « شلیمار » که نادر شاه درآنجا بود آمدند.

در ساعت یازده‌ونیم دو پادشاه صورت معاهده را امضا ورد و بدل نمودند که شرح آن از قرار ذیل میباشد:

۲ ـ صورت معاهده ایران و هند سابقاً ,وزرای اعلیحضرت بهرام صولت مریخ‌سطوت قهرمان زمان سلطان السلاطین دوران شاهنشاه عالمیان ظل‌الله اسلامیان پناه سکندر حشمت عراش سریر سلطان باعدل و داد وپادشاه سپهر نهاد نادرشاه افشار خلدالله ملکه وسلطانه؛ سفرای کار به این دربار برای‌قراربعضی امور فرستاده بودند ما نیز بموافقت مایل بودیم و بعد از آنهم محمد خان ترکمان برای تذکار از شهر « قندهار » رسید ولی وزراء و کارکذاران ما سفرای مزبور را معطل کرده و جواب نامهٔ اعلیحضرت معظم‌له را بتأخیر انداختند از این راه نقاری فیمابین حاصل شد وقشون ظفر نمون ایشان بحدود هندوستان حرکت کرده طرفین در نقاط مختلفه و در صحرای کرنال تلاقی نمودیم، جنگی شاهانه درگرفت واز آنجا که‌تقدیر الهی بود آفتاب نصرت وفیروزی ازمشرق اقبال بیزوال ایشان طالع گردید و چون اعلیحضرت جمشید قدرت معظم‌له منبع رأفت و فتوت است باعتماد مردانگی و اتکال همراهی ایشان مسرت ملاقات دست داد و در محفل فردوس آئین بهجت صحبت روی نمود بعد از آن باتفاق به « شاه جهان آباد » آمدیم، در آنجا خزانه وجواهرات و اشیاء نفیسه سلاطین هندوستان را بنظر ایشان عرضه داده و بطور شایان هدیه کردیم اعلیحضرت معظم‌له بخواهش ما بعضی را قبول و بعلو همت و فرط محبت وبملاحظه بزرگی خانوادهٔ گورگان و افتخار شجرهٔ طرخان تفقد کرده تخت وتاج هندوستان را بما واگذار کردند. در ازاء این ملاطفت که از پدر به پسر و از برادر ببرادر ظاهر نمیشود ما یکصد و پنجاه کرور تومان خسارت جنك و تمام ممالك واقعهٔ در مغرب رود خانه (اتك) و (آب سند) و (نالاسنك) را که

ۀ از شعبات رود خانه سند است ، یعنی [پیشاور] و مضافات ایالت [کابل] و [غزنین] و کوهستان افغانستان هزاره جات و دربند ها را باقلعهٔ [بکرسنکر] و [خدا داد] و اراضی و دربندها و مساکن جوکیها وبلوچها یره ... بانضمام ایالت [تته قلعه رام] و قریه [طربین] و شهر [چن] و [سموالی] و [کترا] با تمام ضی و قراء وقلعه‌جات و شهرها و بندر ها از ابتدای سرچشمه « روداتك » باتمام دربند ها و آ بادیها که خانهٔ اتك باشعبانی که بدان محیط است تا [نالاسنك] را که مصب رود است بدریا، به دولت علیه ایران گذار میکنیم . خلاصه تمام محال واقعهٔ در مغرب رود اتك و آن صفحات و مغرب رود سند و نالاسنك ء ممالك این پادشاه قویشوکت است ، از این تاریخ به بعد عمال و کارکذاران ایشان داخل صفحات کوره شده و آنها را بتصرف درآورده زمام حکومت و حکمرانی آن صفحات و طوایف و اهالی آ نجا بدست بگیرند . عمال و کارکذاران ما باید صفحات مذکوره را تخلیه نموده و از ممالك ما موضوع نسته و تمام حقوق حالیه وکذشته خود را (حکمرانی و نظم و نسق و اخذ مالیات) از آ نجاها ساقط بدانند. ه و شهر لهری بندر با تمام ممالك واقعه در مشرق رود اتك و رود سند و نالاسنك کما فی السابق و سلطنت هندوستان خواهد بود .

در باغ شلیمار

مورخه ۳۱ محرم الحرام سنه ۱۱۵۲

محمد شاه تیموری — نادر شاه افشار

☆ * ☆

۳ ــ تخلیه هندوستان و ختم جنك ــ بعد از امضای معاهدهٔ « شلیمار » و گرفتن خسارات جنك از تاریخ روز جمعه ششم ماه صفر ۱۱۵۲ ایرانیان به تخلیه اراضی شرقی رود « سند » پرداختند . شب قبل دژبانی شهر در همه جا اعلان کرد که بعد از حرکت اردو هیچ یك از نظامیان و اشخاصی که همراه قشون آمده اند در شهر نمانند وهیچ کس آنها رادر خانه‌خود نگاه ندارد ــ وپنهان نکند ــ و اهل اردو احدی را اسیر همراه خود نبرند .

روزشنبه قرارگاه‌کل ازشهردهلی‌به باغ «شلیمار» حرکت نمود واحکام لازم برای ترتیب حرکت ستونها از شهر صادر گردید .

روز یکشنبه هشتم ماه نادرشاه‌در شلیمار قشون را سان دیده و بعد از ظهر موکب‌ملوکانه پس از پنجاه و شش روز اقامت در پایتخت هندوستان (دهلی) باکاروان ثروت فتح وظفروغنائم بطرف‌ایران حرکت نمود .

نادر شاه‌تا به نزدیك شهر (لاهور) همواره باآرایش جنگی‌حرکت مینمود وپس‌ازورود باین

شهر سه روز برای استراحت و آسایش اردو در آنجا اقامت نموده بطرف افغانستان حرکت کرد.

در مدت یکماه و نیم قسمت شرقی رود سند را ایرانیان تخلیه کردند ولی نواحی غربی رود یعنی افغانستان، بلوچستان رفته رفته یکی از ایالات مهم ایران شد و بالاخره نادر شاه به مقصودی که علت اصلی این جنك مهم بود نائل شد یعنی سر حدات شرقی ایران را به حدود طبیعی خود رسانیده و انتظامات دائمی بطور دلخواه بر قرار نمود.

٤ — **نتیجه جنك** — نتیجه جنك ایران و هند این شد که اولاً دولت ایران مثل سابق یکی از دول معظمهٔ قطعهٔ آسیا شده عصمت وقدرت خود را به دول همجوار نشان داد.

ثانیا معاهده‌ای با دولت هند منعقد ساخت که بموجب آن تمام اراضی واقعه در ساحل یمین رود سند با انضمام دو مملکت مهم (افغانستان و بلوچستان) بدولت ایران واگذار و قرار شد اراضي ساحل یسار رود مزبور نیز در ادارهٔ دولت هند ولی در تحت نظارت دولت علیه ایران واقع باشد. (در دورهٔ قرون اخری حصول چنین اقتدار و عظمت البته کار بسیار مهم بشمار میرود.)

ثالثاً مبلغ هنگفتی که بعنوان خسارت جنك در یك قسط از دولت هندوستان اخذ شده وضعیت مالی و اقتصادی مملکت ایران را اصلاح و به بحرانهای اقتصادی که بعد از دوره شاه عباس کبیر شروع شده بود خاتمه داد.

رابعاً از حیث اسلحه وملزومات جنگي قشون ایران بواسطه غنائمی که به تصرف اردوی ایران در آمد؛ عبارت از یك قسمت عمده توپخانه، عده زیاد فیل های جنگی و مقدار کثیر اسلحه بود، خودرا غني کرده عده ساخلوی مواقع صلح بیش از سابق گردید.

٥ — **ملاحظات راجع بجنك ایران وهند** — جنك ایران و هند در ٤ سنبله ـ ١١٥١ شروع و در ٨ ـ ماه صفر ـ ١١٥٢ خاتمه پذیرفت و در طول این مدت قشون ایران درروی یك خط سوق الجیشي طولانی بطور سریع حرکت نموده مهلتي به دشمن خود نداد که حتي بیك فتح کوچکي هم موفق بشود، با اینکه قوای مقدم قشون هند در افغانستان و در حدود رود «سند» منتهای رشادت و شهامت را از خود ابراز داشته و در محاربات کوهستاني سخت کمال پایداري را بخرج داد، ولی چون در این موقع در هندوستان امور مملکت روز

بروز روبه اختلال میگذاشت لهذا قوای عمدهٔ دولت هندوستان نتوانست از روی اصول نظامی خود را آماده جنك سازد. بااینکه درصحرای «کرنال» بیش از دویست هزار نفر قوا تمرکز داده بودند باز موفق نشدند که از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نمایند. گرچه بعضی اوقات در صدد فلج کردن مانور هاي قشون ایران بوده وبه تهاجم مختصری هم اقدام مینمودند، ولي موفقیت حاصل نمی کردند. خلاصه در اواخر قرون اخری (جنك ایران وهند) مدلل ساخت که انتظام وتشکیلات قشون وهمچنین اسلحه وتعلیم وتربیت افراد باعث موفقیت میشود والاکثرت قوا در محاربه مداخلهٔ مهمی نخواهد داشت. چنانچه دراین جنك بطور آشکار دیده شد که در اغلب محاربات استعداد قوای هند بیش از ایرانیان بوده ولی تعلیم و تربیت و انتظام آنها با ایرانیها ابداً قابل قیاس نبود. خلاصه عملیات قوای ایران درطول مدت جنك قابل تنقید نیست و بالعکس شایان تحسین وتمجید میباشد.

انتهی